

از اورشلیم تا رُم

کلیسای محلی چگونه می‌تواند بر تمام دنیا تأثیر بگذارد؟

نویسنده: تری رابرتس
مترجم: آرینه سرکیسیان

داز من درخواست کن و امته‌ها را به میراث تو خواهم
داد. و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید. (مزامیر ۸:۲)

فهرست

صفحه	
۵ —	تحسینات —
۷ —	بیا بید از اورشلیم به رم سفر کنیم —
۱۱ —	مقدمه —
۱۶ —	فصل اول: کتاب اعمال رسولان به عنوان ... —
۲۲ —	فصل دوم: هدف اصلی پنطیکاست —
۲۹ —	فصل سوم: پریدن از روی نرده‌ها —
۳۶ —	فصل چهارم: بشارت به گروه‌های مردمی جدید —
۴۵ —	فصل پنجم: داستان ما —
۴۹ —	فصل ششم: داستان خود را بنویسید —
۵۲ —	فصل هفتم: حصاد را ببینید —
۵۵ —	فصل هشتم: برای حصاد دعا کنید —
۵۹ —	فصل نهم: حصاد خود را شناسایی کنید —
۶۶ —	فصل دهم: مشارکت در دنیای شما —
۷۲ —	فصل یازدهم: کسب قدرت الهی برای —
۷۶ —	فصل دوازدهم: چشم دوختن به آسمان را... —
۷۹ —	ضمیمه —
۸۳ —	درباره‌ی نویسنده —

تقدیمات

این کتاب نیز همانند دیگر خدمات من، مدیون همسرم بکی است. او برای من چنان مشوق و پشتیبانی بوده است که تنها در ابدیت ابعاد آن به طور کامل آشکار خواهد شد. همچنین می‌خواهم از دکتر هوارد فولتز، برای حمایت و کمک- هایش به عنوان راهنمای من در زندگی‌ام، تشکر کنم. بیل الدرمن از شروع ایده‌ی این کتاب تا انتشار نهایی آن، همواره یاور من بوده است. روری برگمن با وفاداری، بسیاری از اشتباهات مرا ویرایش کرد و باعث شد صدای من از میان این واژه‌ها رساتر شنیده شود. تشکر ویژه از همه‌ی کارکنان کلیسای محلی^۱ که به من اجازه دادند تا اشتیاقی که در قلبم داشتم را دنبال کنم.

^۱ - Faith Christian Family Church

بیاید از اورشلیم به رُم سفر کنیم

من از شما دعوت می‌کنم، در واقع از شما می‌خواهم که با پولس رسول و دوست عزیزم شبان تری رابرتس سفری را آغاز کنید. آخرین کتاب تری (او سه کتاب دیگری را نیز نوشته است) از اورشلیم تا رُم، اثر برجسته‌ای است که تجربه و دیدگاه او را حتی فراتر می‌برد. این کتابی درباره سفرها است. همه‌ی ما باید در مسیر این سفر باشیم، زیرا از آخرین سخنان پروردگاران می‌گوید: «لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» (اعمال رسولان ۱: ۸).

آخرین سخنان هر کسی قبل از عزیمت به آسمان، مهم‌ترین کلماتی است که بر زبان می‌راند. کتاب تری به شما این امکان را می‌دهد که از کتاب مقدس جهت به کارگیری گام‌های عملی در زندگی خود در سفری شخصی از اورشلیم تا اقصی نقاط جهان، نهایت بهره را ببرید.

من و همسرم پت بیش از ۵۳ سال است که میسیونر هستیم. موعظه کردن در هزاران کلیسا در سرتاسر جهان باعث خوشحالی من شده است. متأسفانه، من بارها در کلیساها با کشیشانی ملاقات می‌کنم که نمی‌دانند چگونه آخرین جملات عیسی را در کلیسای خود، تحقق ببخشند. برخی از کلیساها به هیچ وجه نمی‌دانند که چگونه باید تفاوت‌های فرهنگی را در خدمت خود مد نظر داشته باشند، زیرا آنها به طور منحصر به فردی بر بنای کلیسای محلی متمرکز هستند. امیل برونر، الهی‌دان سوئیسی، می‌گوید: «همانطور که آتش برای سوزاندن لازم است، مأموریت بشارت نیز برای کلیسا ضروری می‌باشد.» چه داستان غم‌انگیزی؛ تلاش برای داشتن آتش روحانی بدون به کارگیری آخرین کلمات عیسی برای رساندن انجیل از اورشلیم به اقصی نقاط جهان!

یکی از فصول این کتاب با عنوان پریدن از حصارها و شکستن موانع است. تری قلبی مشتعل برای مأموریت بزرگ داشت، اما او باید یاد می‌گرفت که چگونه باید با به کارگیری حقایق کتاب مقدسی، به روشی جدید از حصارهای فراوانی بپرد. او باید یاد می‌گرفت که چگونه باید موانع الگوهای قدیمی را در هم بشکند، حصارهایی که مانع از تبدیل شدن کلیساهای ما، به یک کلیسای جهانی، برای تحقق مأموریت بزرگ می‌شوند. در حین خواندن این کتاب، ممکن است به چالش کشیده شوید که از حصارها بپرید و خودتان برخی از موانع را بشکنید. مشکلی نیست! زیرا طرف دیگر حصار، جایی است که محصول واقعی و جهانی ظاهر می‌شود.

همه چیز با دعا و شفاعتی هدفمند شروع می‌شود. برای من شگفت‌انگیز است که چگونه بسیاری از کلیساهای فقط برای اورشلیم و یهودیه‌ی خود دعا می‌کنند. بسیاری، حتی نام یک یا دو گروه از اقوامی که بشارت به آنها نرسیده را نیز نمی‌دانند. تری در میان اقوام مختلف سخن می‌گوید، اقوامی که هدف خدا در زمین و جغرافیای معاصر ما هستند. آیه‌ی «زیرا خدا جهان را آنقدر محبت نمود...»، به این معنا است که ما نباید فقط به خاطر خود، کلیسای داشته باشیم، بلکه کلیسای ما باید برای جهان باشد. بیایید جهانی را دوست داشته باشیم که عیسی برای آن مرد! تری از پاتریک جانسون، نویسنده‌ی کتاب Operation World این چنین نقل قول می‌کند: "وقتی کار می‌کنیم و دعا نمی‌کنیم، کار می‌کنیم. اما وقتی ما کار می‌کنیم و دعا می‌کنیم، خدا کار می‌کند!"

این کتاب به شما کمک می‌کند تا نقش شخصی و نقش کلیسای خود را با تمرکز بر تکمیل مأموریت بزرگ، کشف کنید. اگر هر شبان و کلیسا همان کاری را که تری در این کتاب شگفت‌انگیز توصیف می‌کند، انجام دهند، دنیای پیرامون ما تغییر می‌کند. او با ایده‌ی بسیج کردن افراد برای مأموریت‌های استراتژیک بشارت و شرکت در حصاد نهایی (رساندن پیام نجات به برخی از ۶۵۰۰ قومی که

هنوز پیغام نجات را نشنیده‌اند)، دستیابی به این هدف را میسر می‌سازد. فکرش را بکنید! می‌توانیم مأموریت بزرگ را در زمان زندگی خود به پایان برسانیم. ما برای هر قوم و نژادی که هنوز پیغام نجات را نشنیده‌اند، ۱۰۰۰ کلیسا داریم. بنابراین بدانید به پایان رسیدن مأموریت بزرگ، کاری قابل حصول است. چالش این است که بتوانیم اصولی که تری در این کتاب بیان می‌کند را، به کار بگیریم.

پس دعا درب ورودی است. اطاعت کتاب مقدسی و استراتژیک، مسیر را نشان می‌دهد و قوت خدا، ابزار تحقق آن است. شما از خواندن بخشی که تری در مورد روح القدس نوشته است، برکت خواهید یافت. من و تری با هم به نقاط مختلف جهان سفر کرده‌ایم و شاهد عمل دست خداوند بوده‌ایم. خدا را شکر که وی به ما وعده داده است قوت روح القدس را در زمانی که ما مشغول رساندن مژده‌ی نجات به اقصی نقاط جهان هستیم، به ما عطا نماید، در غیر این صورت ما نمی‌توانیم مأموریت بزرگ را محقق کنیم.

بنابراین در واقع این درخواستی ضروری و فوری از سوی خداوند حصاد برای هر رهبر مسیحی، هر ایماندار و هر کلیسایی است که باید انجام دهند و به سفری که در اعمال رسولان ۸:۱ آمده، متعهد بمانند (از اورشلیم، یهودیه، سامره و تا انتهای جهان). فکر کردن به ۴۷۰۰۰ نفری که هر روز بدون شناخت مسیح می‌میرند، وحشتناک است. این باید تغییر کند! و تغییر از هر ایماندار و رهبر مسیحی شروع می‌شود تا خود و کلیسای محلی را برای تحقق آن تجهیز و بسیج نمایند.

فراخوان نهایی کتاب این است که "بیایید این روز را تسریع ببخشیم."

«و آمدن روز خدارا انتظار بکشید و آن را بشتابانید که در آن آسمان‌ها سوخته شده، از هم متفرق خواهند شد و عناصر از حرارت گداخته خواهد گردید.» (دوم-

همانطور که عیسی هر روز زندگی مقدسی داشت (می‌گشت تا گمشده را بجوید) اگر ما نیز این‌گونه عمل کنیم، می‌توانیم روز بازگشت پروردگار و نجات دهنده‌ی خود را، تسریع ببخشیم. عجب سفری!

- هوارد فولتز

مدیر سازمان خدماتی Aims

مقدمه

کتاب اعمال رسولان، داستانی بزرگ از کلیسای اولیه است که عیسی از قوم کوچک اسرائیل آغاز کرد و آن را چون سندی برای ما بر جای گذاشت. او این گروه متفاوت، یعنی شاگردان را با وظیفه‌ی عظیمی که در رساندن پیغام نجات به سراسر جهان داشتند، رهسپار نمود. آنها موفق بودند و نه تنها پیغام را به دنیای اطراف خود رساندند، بلکه برای نسل‌های آینده نیز، الگویی بر جای گذاشتند. تقریباً ۲۰۰۰ سال پس از بازگشت او به آسمان، کلیسا در مکان‌هایی مانند آمریکای جنوبی، آسیا و دورافتاده‌ترین جزایر زمین نیز تأسیس شد. در انجیل یوحنا ۱۷:۲۰، عیسی دعا می‌کند: "من نه تنها برای این شاگردان، بلکه برای همه‌ی کسانی که به پیغام آنها همیشه ایمان می‌آورند، دعا می‌کنم." این دعا، جواب داد!

آنها چگونه این کار را انجام دادند؟ برای اینکه بفهمید این پیغام تاکنون چگونه منتشر شده است، باید کتاب اعمال رسولان را نه فقط به عنوان تاریخ کلیسای اولیه، بلکه به عنوان یک راهنمای استراتژیک و الگویی برای امروز، نگاه کنید.

عیسای مسیح خداوند حصاد است. او هدایت انجیل را با روح القدس، حتی زمانی که کلیسای اولیه مطمئن نبود که در قدم بعدی باید چه کاری انجام دهد، به شاگردانش عطا نمود. بسیار مهم است که وظیفه‌ی خود را مشارکت با خود خدا بدانیم، نه صرفاً یک برنامه و تلاش انسانی! خداوند بسیار استراتژیک عمل می‌کند و برنامه‌ای دارد که عشق خود را به هر قوم و قبیله و زبانی برساند. گاهی اوقات به نظر می‌رسد که شاگردان فقط نسبت به جفا یا شرایط، واکنش نشان می‌دهند، اما خدا به طور فعال بر گسترش ملکوت خود، حتی از طریق بحران و جفا نظارت و مدیریت داشت. خدا حرف آخر را می‌زند.

اگرچه شاگردان ممکن است درک نمی‌کردند که چه اتفاقی می‌افتد و چگونه اتفاق می‌افتد، اما اقدامات آنها ما را با یک استراتژی و روشی خاص آشنا می‌کند؛ و ما را تشویق می‌کند که از آنها الگوبرداری کنیم.

آنها به حرکت خود در قلمروهایی که عیسی در اعمال رسولان ۸:۱ تعیین کرده بود، ادامه دادند: «لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» (اعمال رسولان ۸:۱).

تمایل ما بیشتر شبیه به کلیساهای اورشلیم است: بی‌حرکت بنشینیم و از مشاهده‌ی بارش برکت خدا بر ما، خانواده و دوستان مان لذت ببریم. در مقابل، خدا کلیسا را پویا می‌خواهد که دائماً در جستجوی راه‌های جدید و مکان‌های جدید برای گسترش باشد. داستان کتاب اعمال رسولان داستان پویا و در حال گسترشی است. این یک تاریخ بزرگ است، اما همچنین یک استراتژی عالی برای رساندن بشارت به دنیای معاصر با عشق به خدا و پیغام قدرتمند او است.

هدف این کتاب کمک به شما و کلیسای محلی شما برای تسلیم شدن به خداوند صاحب حصاد، است تا در جایی که هستید، فعالانه عمل کنید. نظر به اینکه در کجای زمین زندگی می‌کنید، می‌توانید جهان را از آنجا نظاره کنید.

به عنوان کشیش یک کلیسای محلی در شهری کوچک، به راحتی می‌توان از چیزهای مهم در ملکوت خدا غافل شد. این یک باور غلط است و دشمن از آن برای فلج کردن بخش بزرگی از بدن مسیح استفاده کرده است. وقتی توقعات خود را بالا ببریم، ایمان خود را تکان دهیم و به سمت هدف بشارت به دنیا حرکت کنیم، اتفاقات شگفت‌انگیزی رخ خواهد داد. ابدیت می‌تواند متفاوت باشد، اگر به جای تسلیم شدن در برابر این دروغ که تلاش‌های ما اهمیتی ندارد، از نقشه خدا پیروی کنیم، شاهد اتفاقات عظیمی خواهیم بود. شما و کلیسای محلی‌تان با هدفی خاص در زمانی خاص در آن جا قرار گرفته‌اید.

قبل از اینکه کشیش یک کلیسای محلی شوم، در خدمات بشارتی در نقاط مختلف، مشغول بوده‌ام. بارها من و همسر من از خادمین مسن‌تر و خردمندتر در مورد اینکه آیا بستر خدمات بشارتی می‌تواند استفاده‌ای حکیمانه‌تر از زندگی ما باشد، می‌پرسیدیم. به ما گفته شد که به جای رفتن به خارج از کشور، روی بسیج یک کلیسای محلی برای بشارت به جای رفتن به خارج از کشور تمرکز کنیم. این مطمئناً برای همه صدق نمی‌کند. جهان هنوز به مبشران بسیاری نیاز دارد. همچنین به همان اندازه درست است که جهان به هزاران کلیسای محلی کاملاً بسیج شده نیاز دارد که دلی برای خدمت به تمامی نقاط جهان داشته باشند؛ خدمت به کسانی که برای عیسی مهم هستند و او جانش را فدای آنها کرده است. خدا برنامه‌ای دارد که کلیسای خود را به طور فعال در مأموریتی که عمیقاً بدان اهمیت می‌دهد، مشارکت دهد. شما نقشی دارید؛ کلیسای محلی شما دعوت و سهم منحصر به فردی دارد. این مطمئناً شامل منطقه‌ای می‌شود که کلیسای محلی شما در آن قرار دارد (اورشلیم شما)، اما این شامل مناطقی فراتر از آن نیز می‌شود. حیطةی خدمت فقط محله‌ی ما نیست، بلکه تمام دنیاست.

خط پایان ما در مکاشفه ۵:۹-۱۰ آمده است:

«و سرودی جدید می‌سرایند و می‌گویند: «مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد.»

بفتش اول

کلیسای اولیه، در قرن اول چگونه
بشارت را به تمام دنیا رساند؟

از اورشلیم تا رُم / ۱۵

فصل اول

کتاب اعمال رسولان به عنوان تاریخ مأموریت بشارت خدا

شخصی به درستی گفته است: "تاریخی که به درستی تفسیر شده باشد، در واقع داستان خدا است." تمام تاریخ مربوط به داستان کار خدا در میان مردم برای انتشار پیغام او و گسترش پادشاهی او است. کتاب اعمال رسولان نیز از این قاعده مستثنی نیست. کتاب مقدس از زمان بسیار هیجان‌انگیزی می‌گوید که کلیسا در قرن اول، در اورشلیم متولد شد. کلیسای اولیه در ابتدای راه خود بود و با تمام کاستی‌هایش از عیسی و قدرت روح القدس تا حد توان خود پیروی کرد. خوشبختانه فردی بسیار عاقلتر از آنها، کلیسا و گسترش آن را به اقصی نقاط جهان هدایت می‌کرد. عیسی هنوز هم صاحب حصاد است و روح القدس آن را اداره کرده و بر آن نظارت می‌کند.

دانشجویان کتاب مقدس از راه‌های مختلفی برای درک تاریخی کتاب اعمال رسولان استفاده کرده‌اند. روش متداول تقسیم آن بین خدمت پطرس (باب‌های ۱-۱۲) و خدمت پولس (باب‌های ۱۳-۲۸) است. پیتر واگنر رویکرد دیگری از این را به ما ارائه می‌دهد:

"سه گروه فرهنگی گسترده در اعمال رسولان ۸:۱ تأکید شده‌اند: یهودیان، سامریان و غیریهودیان." از این منظر، کل کتاب اعمال رسولان را می‌توان در سه گروه خلاصه کرد:

بخش اول به رشد کلیسا در اورشلیم و یهودیه می‌پردازد. بشارت بیشتر متوجه یهودیان بود و پطرس شخصیت اصلی داستان است. این شامل اعمال رسولان باب‌های ۱-۶ می‌شود.

بخش دوم به رشد کلیسا در سامره می‌پردازد. استیفان و فیلیپ چهره‌های اصلی هستند. استیفان نظریه‌پرداز و فیلیپ، بازوی اجرایی آن است. این شامل اعمال رسولان باب‌های ۶-۸ می‌شود.

بخش سوم به رشد کلیسا در بین غیریهودیان می‌پردازد. پولس به شخصیت اصلی تبدیل می‌شود، و این بزرگترین تأکید لوقا است که اعمال رسولان باب‌های ۹-۲۸ یا بیش از دو سوم کتاب را پوشش می‌دهد. برای رهبری، لوقا پطرس را معرفی می‌کند (اعمال رسولان باب‌های ۹)، می‌گوید که چگونه پطرس باعث نجات کرنلیوس شد (اعمال رسولان باب‌های ۹-۱۱)، انتقال داستان از پطرس به پولس (اعمال رسولان ۱۱-۱۲) و سپس خدمت پولس را برای بقیه‌ی کتاب مورد توجه قرار می‌دهد (اعمال رسولان باب‌های ۱۳-۲۸).

یکی دیگر از تقسیم‌بندی‌های رایج، استفاده از اعمال رسولان ۸:۱ به عنوان طرح کلی برای بقیه کتاب است:

«اما زمانی که روح‌القدس بر شما بیاید، قدرت دریافت خواهید کرد. و شما شاهدان من خواهید بود و در همه جا درباره من به مردم بگویید.» - در اورشلیم (باب‌های ۱-۷)، در سرتاسر یهودیه، در سامره (باب‌های ۸-۱۰)، و تا اقصی نقاط جهان (باب‌های ۱۱-۲۸).

نویسنده جان ماوک چنین استدلال می‌کند که کتاب اعمال رسولان به عنوان خلاصه‌ای از متن حقوقی است که در دفاع از محاکمه‌ی آینده پولس در رم نوشته شده است (پولس در محاکمه: کتاب اعمال رسولان به عنوان دفاع از مسیحیت، منتشر شده توسط توماس نلسون، ۲۰۰۱). در این صورت، لوقا احتمالاً گزارش شاهدان عینی را از ایمانداران اورشلمی، در طول دو سال حبس پولس در قیصریه جمع‌آوری کرده بود. برای ارزیابی، این نظریه‌ای جذاب به نظر می‌رسد، اما این فقط همین است، یک نظریه!

یک راه مفید و احتمالاً بهترین راه برای درک اعمال رسولان این است که آن را یک جنبش بدانیم. خدا جنبشی را در کلیسای اولیه آغاز کرد که تا امروز ادامه دارد. (۷:۶؛ ۳۱:۹؛ ۳۴:۱۲؛ ۴:۱۶؛ ۱۹:۲۰). در هر مورد، به نظر می‌رسد روایت برای لحظه‌ای متوقف می‌شود تا حرکتی را در مسیری جدید آغاز کند. بر اساس این سرنخ، می‌توان دید که اعمال رسولان از شش بخش یا پَنل تشکیل شده است، که روایت یک حرکت پیوسته رو به جلو را از بستری عبرانی که مستقر در اورشلیم است و پطرس به عنوان شخصیت اصلی آن است، به سمت کلیسایی عمدتاً غیریهودی با رهبریت پولس، حکایت دارد. در اینجا رم به عنوان پایتخت امت‌ها و هدف اصلی آن معرفی می‌شود.

کتاب اعمال رسولان این حرکت را توصیف می‌کند. این جنبش موانع جغرافیایی و فرهنگی را به خوبی نشان می‌دهد. روح‌القدس در هدایت و تنظیم این حرکت و انتشار پیغام دیده می‌شود. کلیسای اولیه در یک ملت، یعنی اسرائیل قرار داشت و از یک گروه مردمی یعنی یهودیان، تشکیل شده بود.

عیسی در آخرین سخنان ثبت شده خود بر زمین به سادگی چنین می‌گوید، و بر دو موضوع تأکید می‌کند. «خدمات مبتنی بر قوت و مأموریت‌شناسی» مأموریت‌شناسی یا انتشار پیغام، نتیجه‌ی تلاقی آن با این قوت بود. خدمت عیسی در کلیسای او ادامه یافت و نتیجه‌اش یک جنبش شد. در اعمال رسولان باب اول، لوقا ارتباطی آگاهانه بین خدمت عیسی، آن طور که در انجیل لوقا ثبت شده و خدمت عیسی آن طور که در کتاب اعمال رسولان ثبت شده است را برقرار می‌کند:

«صحیفه اول را انشا نمودم، ای تیوفلس، درباره‌ی همه اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد. تا آن روزی که رسولان برگزیده خود را به روح‌القدس حکم کرده، بالا برده شد.» (اعمال رسولان ۱:۱-۲)

آنچه عیسی در کلیسای اولیه شروع کرد آن را، با روح القدس ادامه داد. او هنوز هم این کار را از طریق کلیسای معاصر ادامه می‌دهد. وقتی که ما با صاحب حصاد همکاری می‌کنیم، او همچنان در کلیسای معاصر نیز به کار خود ادامه می‌دهد. به نظر می‌رسد که بزرگترین معجزات، مستقیماً با انتقال پیغام از یک گروه قومی به گروه جدید مرتبط است: در اعمال رسولان باب ۲ یهودیان، در اعمال رسولان باب ۸ سامریان و اعمال رسولان باب ۱۰ امت‌ها و نیز نمونه‌های دیگر. ما باید این پل‌های فرهنگی را درک کنیم و از آنها در استراتژی‌های خدمات معاصر خود، استفاده کنیم.

در حالی که روح القدس همانطور که قبلاً بر یهودیان در اورشلیم ریخته شده بود، بر غیریهودیان نیز سرازیر شد؛ پطرس در اعمال رسولان باب ۱۰ در خانه یک فرمانده رومی شمه‌ای از نقشه را مشاهده می‌کند. کلیسای اولیه مطمئن نبود با غیریهودیانی که می‌خواستند ایمان بیاورند، چه کار باید کند. شورایی در اورشلیم برای حل و فصل این مشکل تشکیل شد تا بتواند اراده‌ی خدا را در این مورد، ارزیابی کند. پطرس کارهای خود را برای این شورا تشریح کرد و گفت که قبلاً در خانه‌ی کرنلیوس رومی، چه اتفاقی افتاد. «و چون مباحثه سخت شد، پطرس برخاسته، بدیشان گفت: «ای برادران عزیز، شما آگاهید که از ایام اول، خدا از میان شما اختیار کرد که امت‌ها از زبان من کلام بشارت را بشنوند و ایمان آورند. و خدای عارف القلوب بر ایشان شهادت داد بدین که روح القدس را بدیشان داد، چنانکه به ما نیز. و در میان ما و ایشان هیچ فرق نگذاشت، بلکه محض ایمان دل‌های ایشان را ظاهر نمود. پس اکنون چرا خدا را امتحان می‌کنید که یوغی بر گردن شاگردان می‌نپید که پدران ما و ما نیز طاقت تحمل آن را نداشتیم.» (اعمال رسولان ۱۵: ۷-)

(۱۱)

رهبران کلیسای اورشلیم عاقلانه دریافتند که خدا قصد دارد از یهودیان فراتر رود تا پیغام فیض خدا به همه‌ی ملل و گروه‌های مردمی، برسد. ستودنی است که

آنها می‌توانستند تعصب را کنار بگذارند و از خدا به هر کجا که آنها را رهبری می‌کرد، پیروی کنند.

یکی از اولین بدعت‌هایی که پولس در کلیساهای اولیه‌ای که او آنها را تأسیس کرده بود، مشاهده می‌کرد این بود که فیض در مقابل حفظ قانون قرار می‌گرفت. ایمانداران یهودی با برگزاری اعیاد و سبت‌ها و مراسم ختنه، بزرگ شده بودند. قابل درک بود که چرا آنها فکر می‌کردند اولین قدم به سوی عیسی باید این باشد که شریعت انجام شود. پولس در کتاب غلاطیان به این خطا اشاره کرد که ایمانداران یهودی به نحوی از ایمانداران غیریهودی احساس برتری می‌کنند. کلیسای غلاطیه شریعت را به فیض خدا اضافه کرده بود. تقریباً می‌توانید فریادهای پولس را بشنوید که به آنها می‌گوید به کسانی که در تلاش برای باطل کردن انجیل و فیض عیسی مسیح بودند، گوش ندهند.

پذیرش ایمانداران غیریهودی برای کلیسای اولیه قدم بزرگی بود. آنها در تمام زندگی‌شان برتری یهودیت را آموخته بودند. اکنون به آنها گفته می‌شد که در مسیح، یهودی بودن یک مزیت نیست. البته پولس می‌گوید آنها بر سر انجیل فیض لغزش می‌خوردند و برخی هرگز نتوانستند از آن مانع عبور کنند.

«ای برادران خوشی دل من و دعای من نزد خدا بجهت اسرائیل برای نجات ایشان است. زیرا بجهت ایشان شهادت می‌دهم که برای خدا غیرت دارند لکن نه از روی معرفت. زیرا که چون عدالت خدا را شناخته، می‌خواستند عدالت خود را ثابت کنند، مطیع عدالت خدا نگشتند. زیرا که مسیح است انجام شریعت بجهت عدالت برای هر کس که ایمان آورد.» (رومیان ۱۰: ۱-۴)

در اعمال رسولان باب ۱۳ ما پولس، برنابا و دیگرانی را می‌بینیم که در حضور خداوند دعا و روزه می‌گیرند. در آن بستر، روح‌القدس صحبت کرد تا پولس و برنابا

فرستاده شوند و پیغام را منتشر کنند. آنها از کلیسای انطاکیه فرستاده شدند تا پیغام را در هر کجا که می‌توانستند، موعظه کنند. باقی‌مانده کتاب اعمال رسولان، این است که چگونه آن پیغام از میان فرهنگ‌ها و مرزهای جغرافیایی تا رُم راه یافت. برای یهودیان، رُم نماد انتهای عالم بود. کتاب اعمال رسولان با خدمت پولس در رُم به پایان می‌رسد و حتی برخی از خانواده سزار به عیسای مسیح ایمان می‌آوردند. کتاب اعمال رسولان نه تنها یک تاریخ است، بلکه یک نقشه‌ی استراتژیک است. در آن خدا به ما الگویی می‌دهد که پیغام را از کلیسای محلی به اقصی نقاط زمین برسانیم.

فصل دوم

هدف اصلی پنطیکاست

عیسی پس از رستاخیز خود، به مدت چهل روز با شاگردان خود ملاقات کرد. او در مورد پادشاهی خدا به آنها تعلیم داد. ای کاش یادداشت یا فایلی از آن آموزش‌ها داشتیم. هنگامی که آنها دور هم جمع شدند، عیسی آخرین سخنان خود را بر زمین برای آنها گفت. آخرین سخنان شما، سخنانی مهمی خواهند بود. «که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیل‌های بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می‌شد و درباره‌ی امور ملکوت خدا سخن می‌گفت. و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که «از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده‌ی پدر باشید که از من شنیده‌اید. زیرا که یحیی به آب تعمید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح‌القدس تعمید خواهید یافت. پس آنانی که جمع بودند، از او سؤال نموده، گفتند: «خداوند آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت. بدیشان گفت: «از شما نیست که زمان‌ها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید. لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان. و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی نگریستند، بالا برده شد و ابری او را از چشمان ایشان در ربود. و چون به سوی آسمان چشم دوخته می‌بودند، هنگامی که او می‌رفت، ناگاه دو مرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، گفتند: ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا برده شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او رابه سوی آسمان روانه دیدید.» (اعمال رسولان ۱: ۳-۱۱).

عید پنطیکاست، پنجاه روز پس از قیام عیسی، عید بسیار مهمی برای یهودیان محسوب می‌شد. این یکی از سه باری بود که یهودیان باید در اورشلیم جمع می‌شدند. یهودیان بسیاری از سراسر کشورهای مدیترانه آمده بودند که عید یهودی شاووت را جشن بگیرند که به عنوان جشن هفته‌ها نیز شناخته می‌شد. این یادبود، اولین میوه‌های محصولات کشاورزی است که به خداوند تقدیم می‌شود. همچنین، این جشنی برای دریافت ده فرمان در کوه سینا بود. این جشن در پنجاهمین روز پس از عید فصح، آغاز می‌شد. یهودیان یونانی زبان آن را پنطیکاست نامیدند، زیرا در لغت به معنای پنجاهم است. جشن پنطیکاست در درجه‌ی اول جشن برداشت است.

عیسی چهل روز را با شاگردان خود گذراند و پس از اینکه گفت به زودی از روح‌القدس پر خواهند شد، به آسمان صعود کرد. ده روز بعد، در روز پنطیکاست این اتفاق افتاد. خداوند این روز را انتخاب کرد که یهودیان ملل دیگر شگفتی‌های خدا را بشنوند و شاهد باشند.

تفسیر عهدجدید هولمن در مورد گروه‌های مختلف افرادی که در آنجا حاضر بودند، چنین می‌گوید:

"فهرست لوقا از پانزده مکان جغرافیایی، گروهی از ملل یا مناطقی بود که در آنها جمعیت‌های یهودی شناخته شده‌ای وجود داشتند و احتمالاً گروه‌ها نماینده‌ای را به عید پنطیکاست می‌فرستادند. همه‌ی کسانی که در آنجا به زبانی غیر از یونانی یا آرامی صحبت می‌کردند، پیغام مسیحیان را به آن زبان شنیدند - شاید پانزده زبان، شاید پنجاه، شاید بیشتر. زبان‌ها متفاوت بودند اما پیغام همگی، یکسان بود: شگفتی کارهای خدا."

خدا به صورتی بسیار استراتژیک بشارت را به گروه‌های مختلف قوم یهود رسانید. پیغام ابتدا برای یهودیان و سپس برای غیریهودیان بود. عیسی به وضوح گفت که اولین اولویت او بشارت به یهود است. او در خدمت زمینی خود نزد

گوسفندان گمشده‌ی خاندان اسرائیل فرستاده شده بود. نکته‌ی باورنکردنی این بود که آنها متوجه شدند که خدا به زبان آنها صحبت می‌کند. تفسیر عهد جدید در مورد زبان‌های مختلف، در کتاب اعمال رسولان باب دوم، چنین می‌گوید:

"این شهادت که به زبان‌های مختلف بود، با پیشنهاد جهانی نجات در پیغام کلیسا و مأموریت جهانی آن، هماهنگ است. این همچنین بر ویژگی چندفرهنگی کلیسا نیز تأکید می‌کند. خداوند تأیید می‌کند که انسان‌ها موجوداتی اجتماعی و فرهنگی هستند. همانطور که بسیاری از مترجمان کتاب مقدس می‌دانند، زبان و فرهنگ مادری ما مانند هوایی است که تنفس می‌کنیم؛ طبیعی و ضروری و ما از آن استقبال می‌کنیم. جای تعجب نیست که وقتی افراد بخشی از کتاب مقدس را به زبان خود دریافت می‌کنند، خوشحال می‌شوند: "خدا به زبان من صحبت می‌کند!" خدا جایگاه گروه‌های مردمی را مهم می‌شمارد و این کار را با قوم یهود آغاز می‌کند. او در حکم مأموریت بزرگ در متی ۲۸: ۱۸-۲۰ می‌گوید:

«آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است. پس بروید و همه‌ی قوم‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح‌القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم.»

کلمه‌ی یونانی‌ای که برای ملت‌ها استفاده می‌شود، ethne است که برای توصیف ملت‌ها یا گروه‌های مردمی خاصی استفاده می‌شود. ما اقوام مختلف را می‌شناسیم. خداوند نیز چنین می‌کند و آنها را ارج می‌نهد.

پنطیکاست نشان دهنده نوبر آنها بود. در این مورد، نوبر یهودیان بودند. پس از اولین میوه‌ها، خدا برداشتی را در میان همه‌ی مردم برنامه‌ریزی کرد. نقشه طویل مدت خدا این بود که این پیغام فراتر از اسرائیل برود و خیلی قبل‌تر وقتی که خدا ابراهیم را فراخواند، این نقشه آشکار شد.

«از تو قومی بزرگ پدید خواهم آورد و تو را برکت خواهم داد؛ نام تو را بزرگ خواهم ساخت و تو برکت خواهی بود. برکت خواهم داد به کسانی که تو را برکت دهند، و لعنت خواهم کرد کسی را که تو را لعنت کند؛ و همه‌ی طوایف زمین به واسطه‌ی تو برکت خواهند یافت.» (پیدایش ۱۲: ۲-۳).

کلمه‌ی عبری‌ای که برای خانواده‌ها به کار می‌رود، Mishpachah است. این واژه ملل، اقوام و قبایل را توصیف می‌کند. خداوند قصد داشت خانواده فیزیکی ابراهیم را برکت دهد و سپس از آن برای برکت دادن به همه‌ی خانواده‌ها و اقوام و قبایل روی زمین، استفاده کند. نقشه‌ی او همیشه این بوده که به همه و هر جا بشارت دهد.

خداوند نقشه‌ی خود را برای بشارت به همه‌ی ملت‌ها آشکار کرد و برای آنها عمل نمود. شاگردان عیسی، حتی پس از اینکه سه سال خدمت و چهل روز آموزش دیدند، و با اینکه حتی پس از رستاخیز نیز او را دیدند، ولی تصویر بزرگ را نمی‌توانستند ببینند. مانند بسیاری از ما، آنها فرهنگ‌محور بودند. فرهنگ یهود بسیار بسته و متمرکز بر خود بود. در اعمال رسولان ۶:۱ شاگردان از عیسی پرسیدند که آیا این آن زمانی است که خدا پادشاهی فیزیکی را به اسرائیل باز خواهد گرداند؟ «پس چون گرد هم آمده بودند، از او پرسیدند: «خداوند، آیا در این زمان است که پادشاهی را به اسرائیل باز خواهی گردانید؟»

تمام وسعت دید آنها این بود که اسرائیل بازسازی شده و برکت خواهد یافت. عیسی به روشنی بیان می‌کند که رؤیای خدا بسیار بزرگتر از اسرائیل است و تمام جهان را در بر می‌گیرد.

«لیکن چون روح‌القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» (اعمال رسولان ۸:۱).

عیسی افق‌های دید آنها را به سراسر زمین گسترش داد. بسیاری از مسیحیان نیز به مانند شاگردان عیسی، در آن زمان بر خود تمرکز داشتند. طبیعی است که شیفته‌ی فرهنگ و قوم خود باشیم. عیسی گفت که هدف پنطیکاست، و هدف پر

شدن از روح القدس، ایجاد انگیزه و توانمندسازی ما برای بشارت به همه؛ در هر جا؛ با پیغام نجات است. مسیحیان به طور منحصربه‌فردی توسط خود خدا قدرت دارند تا وعده‌هایی را که خدا به ابراهیم و شاگردان داد، اجرا کنند.

یک بار همسر یک کشیش در گفتگو به همسرم گفت: "کلیسای ما دعوت برای مأموریت بشارت به همه‌ی دنیا را ندارد. دعوت ما فقط برای شهر ماست." اولین چیزی که بعد از شنیدن این سخن به فکرم خطور کرد، این بود: "من نمی‌دانم آیا او کتاب مقدس را خوانده است؟! "عیسی به روشنی بیان کرد که هر کس وظیفه دارد این پیغام را در همه جا منتشر کند. ممکن است خواندگی و دعوت برای رفتن به صورت شخصی نداشته باشید، اما از شما خواسته شده تا به هر صورت که می‌توانید در این زمینه مشارکت داشته باشید. همه‌ی ما می‌توانیم دعا کنیم، حمایت مالی کنیم و دیگران را بفرستیم.

استدلال همسر آن شبان، استدلال آن دسته از مردمی است که فقط بر محله، شهر یا ملت خود متمرکز هستند و این دلیل وجود افراد گمشده‌ای است که بدون عیسی در شهر من پرسه می‌زنند. وقتی همه‌ی آنها شنیدند و پاسخ دادند، آنگاه می‌توانم فراتر از آنها فکر کنم. مشکل این تفکر در سخنان عیسی در اعمال رسولان ۱: ۸ آشکار شده است:

«لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» (اعمال رسولان ۱: ۸). عیسی نگفت اورشلیم سپس یهودیه سپس سامره بعد اقصای نقاط زمین؛ بلکه گفت اورشلیم و یهودیه و سامره و اقصی نقاط جهان. وظیفه‌ی کلیسا این است که به جای حرکتی خطی یا متوالی، بشارتی همزمان به این نقاط داشته باشد. کلیسای مسیح دعوتی چهار جانبه و فراگیری دارد.

منظور عیسی برای شاگردان کاملاً واضح بود چون تأکید می‌کرد که آنها سعی نکنند تمام جزئیات رویدادهای آخرالزمان را کشف کنند، بلکه سعی کنند بر

وظیفه‌ای که دارند، تمرکز کنند. او به آنها و ما هشدار داد که تمرکز خود را از دست ندهیم. یعقوب ۷:۵ روشن می‌کند که تمرکز خدا چیست:

«پس ای برادران، تا هنگام آمدن خداوند صبر کنید. اینک دهقان انتظار می‌کشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می‌کند تا باران اولین و آخرین را بیابد.»

حصاد زمین، مردمی هستند که با شنیدن مژده به عیسای مسیح بله خواهند گفت. تنها چیزی که مانع از بازگشت عیسی می‌شود، حصاد ناتمام است. او به وضوح آنچه را که باید قبل از بازگشتش اتفاق بیافتد، بیان کرد:

«و به این بشارت ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادتی شود؛ آنگاه انتها خواهد رسید.» (متی ۲۴:۱۴).

کلمه‌ی ملت‌ها دوباره کلمه یونانی *ethne* است. خدا قطعاً بر روی گروه‌های قومی جهان متمرکز است و او می‌خواهد که ما نیز چنین باشیم.

توجه به یک تفسیر صادقانه و کتاب مقدسی مهم است که پیغام عیسی، مانند خدمات او در اناجیل، همیشه با تالاقی قوت‌ها منتشر می‌شود. شفاهای، معجزات و عطایای روحانی برای انتشار پیغام ضروری بودند. در اعمال رسولان ۸: ۴-۸ به معجزات کلیسای اورشلیم توجه کنید که با عملکرد فیلیپ در سامره ادامه می‌یابد:

«پس آنانی که متفرق شدند، به هر جایی که می‌رسیدند به کلام بشارت می‌دادند. اما فیلیپس به بلدی از سامره درآمده، ایشان را به مسیح موعظه می‌نمود. و مردم به یکدل به سخنان فیلیپس گوش دادند، چون معجزاتی را که از او صادر می‌گشت، می‌شنیدند و می‌دیدند، زیرا که ارواح پلید از بسیاری که داشتند نعره زده، بیرون می‌شدند و مفلوجان و لنگان بسیار شفا می‌یافتند. و شادی عظیم در آن شهر روی نمود.»

خدمت پولس نیز با معجزات و نشانه‌های مشابهی همراه بود. هیچ نشانه‌ای در کتاب مقدس وجود ندارد که خدا اراده نموده باشد تا نسل ما را از ابزارها و

قوت‌هایی که کلیسای اولیه برای به جنبش در آوردن جهان از آنها استفاده می‌کرد، محروم سازد. عبرانیان ۲: ۳-۴ می‌گویند:

«پس ما چگونه رستگار گردیم اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از خداوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ درحالی که خدا نیز با ایشان شهادت می‌داد به آیات و معجزات و انواع قوت و عطایای روح‌القدس بر حسب اراده‌ی خود.»

همان قدرتی که در آن زمان در دسترس بود، اکنون در دسترس است، زیرا خدا تغییر نمی‌کند. تعلیم توقف‌گرایی^۲ (که می‌گویند عطایا و معجزات تنها متعلق به زمان شاگردان بود)، توانایی کلیسای مدرن را در دوران معاصر، از بین برده است. در کلام‌خدا، قوت خدا زمانی که از موانع رد می‌شد و به گروه‌های جدید مردمی می‌رسید، به طور مؤثر عمل می‌کرد. معجزات در کتاب اعمال‌رسولان اساساً در ارتباط با جنبش‌ها کار می‌کرد. همان قدرتی که در روز پنطیکاست آغاز شد، در دسترس کسانی است که از حکم و مأموریت عیسی پیروی می‌کنند. هدف پنطیکاست این بود که پیروان عیسی را برای بشارت به جهان و از بین بردن همه‌ی مخالفت‌ها با این پیغام، قوت ببخشد.

^۲ - cessation

فصل سوم پریدن از روی نرده‌ها و شکستن موانع

به یاد داشته باشید که واژه‌ی کلیدی در کتاب اعمال رسولان، واژه‌ی جنبش است. مطابق با طبیعت انسانی، مردم تمایل دارند در جایی که قرار دارند، متمرکز بمانند. اکنون روح القدس در حال پایه‌ریزی جنبشی بود که متمرکز بر اقصای جهان می‌گشت.

در کتاب اعمال رسولان ۸:۱ عیسی فراخوان داد تا «به حرکت خود ادامه دهید!» تا زمانی که به تمام جهان برسید. اوضاع در اورشلیم به قدری خوب پیش می‌رفت که شاگردان به لذت بردن از برکات و رشد محلی راضی شدند. اگر ما برای انجام اعمال رسولان ۸:۱ مطیع نباشیم، اغلب رویدادی را شاهد خواهیم بود که در اعمال رسولان ۸:۱ رخ داد:

«و سوگس با کشتن استیفان موافق بود. آزار ایمانداران در آن روز، آزاری سخت بر کلیسای اورشلیم آغاز شد، چندان که جز رسولان، همه به نواحی یهودیه و سامره پراکنده شدند.»

چون مطیعانه برای موعظه نرفتند، آنها پراکنده شدند تا موعظه کنند. فراخوان اولیه برای رسیدن به یهودیه و سامره باید با آزار و اذیت محقق می‌شد. تاریخ نمونه‌های بسیاری دارد که افراد با شناخت خدا در جای خود ماندند، تا اینکه حوادثی رخ داد که آنها مجبور به انجام آن چیزی شدند، که به آنها امر شده بود. همانطور که یکی از مفسرین چنین می‌گوید:

"اکنون مسیحیان مجبور شدند کاری را انجام دهند که تمایلی به انجام آن نداشتند؛ رساندن پیغام نجات عیسی به مناطق اطراف." دو کلمه‌ی متفاوت در زبان یونان

باستان برای واژه‌ی "پراکنده" شدن وجود دارد. ایده‌ی پراکندگی، به معنای ناپدید کردن چیزی است، مانند پاشیدن خاکستر کسی به جایی. کلمه‌ی دیگر مفهوم پراکندگی به معنای کاشت یا کاشت بذر را دارد. این کلمه‌ی یونان باستان است که در اینجا استفاده می‌شود. در اعمال رسولان ۸:۱، عیسی به روشنی به پیروانش گفت که به فراسوی اورشلیم نگاه کنند و مژده‌ی نجات را به یهودیه، سامره، و به اقصی نقاط جهان برسانند. اما تا این زمان پیروان عیسی این کار را نکرده بودند. خبر حاصل از انتشار انجیل باعث می‌شود که برخی، این آزار و شکنجه‌ها را در اراده‌ی خدا بدانند. خدا می‌تواند از شرایط فشارزا برای هدایت ما به سوی اراده‌ی خود، استفاده کند. گاهی باید قبل از انجام کاری که خدا از ما می‌خواهد، از حالت راحت خود، خارج شویم!

خواستهای عیسی این بود که دایره‌ای پیغام نجات او گسترش یابد و گسترده‌تر شود. پولس در نامه‌ی دوم خود به اهالی قرنتس به این مسئله اشاره می‌کند: «و از اندازه خود نگذشته در محنت‌های دیگران فخر نمی‌نمایم، ولی امید داریم که چون ایمان شما افزون شود، در میان شما بحسب قانون خود بغایت افزوده خواهیم شد. تا اینکه در مکان‌های دورتر از شما هم بشارت دهیم و در امور مهیا شده به قانون دیگران فخر نکنیم.»

نسخه هزاره‌ی نو اینطور می‌گوید:

«ما به آنچه دیگران انجام داده‌اند فخر نکرده، از حدود خود تجاوز نمی‌کنیم. امید ما این است که هر چه ایمان شما بیشتر رشد می‌کند، دامنه‌ی فعالیت ما در میان شما نیز گسترده‌تر شود، تا بتوانیم انجیل را در سرزمین‌هایی فراسوی شما بشارت دهیم. زیرا نمی‌خواهیم به کاری فخر کنیم که پیشتر، و آن هم در قلمرو شخصی دیگر انجام شده است.» (دوم قرنتیان ۱۰: ۱۵-۱۶)

در اینجا بار دیگر ایده‌ی حرکت وجود دارد. این گسترش مستلزم شکستن مرزها است. کلیسای اعمال رسولان در ابتدا کاملاً یهودی بود. آنها مجبور بودند از موانع فرهنگی و زبانی به سوی امت‌ها گذر کنند. شورای کلیسا در اعمال رسولان

باب ۱۵ را به خاطر بیاورید که در آن متوجه شدند که اراده‌ی خدا این است که موانع فرهنگی و مذهبی شکسته شود و حقیقت به همه‌ی مردم عرضه شود.

موانع بسیاری وجود دارد: از زبان، مرزهای جغرافیایی، تا تفاوت‌های عمیق در جهان‌بینی. کسانی که چنین خدماتی را مطالعه می‌کنند، این موانع را به عنوان موانع E-۰ تا E-۳ شناسایی کرده‌اند. این روش E-Scale نام دارد. E مخفف واژه‌ی Evangelism به معنای بشارت است و عدد نشان دهنده‌ی تعداد موانعی است که باید برای رساندن پیغام عیسی به یک شنونده، از آن عبور کرد.

E-۰ نمایانگر کسانی در کلیسا است که هرگز ایمان نیآورده‌اند. آنها فقط در کلیسا شرکت می‌کنند، اما رابطه‌ی شخصی با خدا ندارند. برای بشارت به آنها نباید از موانع فرهنگی عبور کرد.

E-۱ نشان دهنده‌ی بشارتی است که از کلیسا به سوی جامعه هدایت می‌شود. این مربوط با همسایگان نزدیک است که با آنها فرهنگ مشترکی دارید. حتی اگر آنها در حال حاضر بخشی از جامعه‌ی کلیسایی نیستند، ولی آنها بخشی از جامعه بزرگتر هستند. این افراد مسیحیان بالقوه‌ی آینده هستند. مانع در این مورد خود پیغام است. این پیغام برای افرادی بی‌ایمان، توهین‌آمیز محسوب می‌گردد.

E-۲ نشان دهنده‌ی کسانی است که فرهنگ متفاوتی با شما دارند. در این سطح، علاوه بر موانع موجود از کلیسا به سوی جامعه، موانع فرهنگی و معمولاً زبانی نیز وجود دارد. برای بشارت به این افراد، باید حداقل از دو حصار بپرید. این نوع بشارت ممکن است برای اجتماع مهاجرینی باشد که به منطقه‌ی شما نقل مکان کرده‌اند. این مسئله فاصله جغرافیایی بسیاری با شما ندارد، بلکه موانع موجود، استراتژیک هستند که باید از آنها آگاهی داشته باشید و از نظر استراتژیک بر آنها غلبه کنید. E-۲ نشان دهنده‌ی سامره است.

E-۳ بشارت تا اقصای زمین است. در اینجا، کسانی که در این دنیا نیاز به بشارت به آنها وجود دارد، متفاوت از شما فکر می‌کنند، عمل می‌کنند و صحبت

می‌کنند. آنها اغلب دورتر هستند، حتی اگر این افراد از نظر جغرافیایی به عنوان پناهنده در این نزدیکی باشند.

چه از نظر جغرافیایی نزدیک و چه در آن سوی جهان، این شامل بشارت به افرادی است که از فرهنگ شما دور هستند. این امر مستلزم پریدن از روی سه حصار است: کلیسا به حصار اجتماع، مانع فرهنگی/زبانی، و یک مانع فرهنگی/جغرافیایی کاملاً متفاوت. این نوع سخت‌ترین نوع بشارت است، اما همه باید تا حدودی در آن مشارکت داشته باشند. این ممکن است دعا کردن و حمایت از کسانی باشد که در پنجره ده در چهل کار می‌کنند، بدون اینکه خودتان هرگز به آنجا بروید.

این یک تمرین مفید است که از خود بپرسید "چه چیزی مانع من می‌شود؟" چه چیزی بین شما و کلیسای تان وجود دارد که مانع از آن می‌شود که مأموریت خود را در سطح جهانی به هر چهار منطقه‌ی هدف ذکر شده توسط عیسی، گسترش دهید؟

هر مانع برای کلیسای اولیه، یک مشکل محسوب می‌شد اما آنها با هدایت و رهبری روح‌القدس، آن موانع را در هم شکستند تا کسانی را که در طرف دیگر آن حصارها و موانع بودند، نجات دهند.

موانع اولیه‌ای که کلیسای اولیه با آن مواجه بود، همان موانعی است که کلیسای معاصر با آن روبرو است. موانع فتح شده به دروازه‌هایی برای ورود به قلمرو جدید تبدیل می‌شوند. در اینجا به موانع آشکاری که کلیسای اولیه و همچنین کلیسای مدرن با آن روبرو است، اشاره می‌کند. به موانع فوق موانع پیغام، فرهنگ، زبان و جغرافیا را نیز اضافه کنید.

مانع شماره ۱: تفسیر غیرواضح و اشتباه از کلام و هدف خدا

بسیاری از دانشکده‌ها و دانشگاه‌های کتاب‌مقدس، دوره‌های آموزشی‌ای برای بشارت به جهان ارایه نمی‌دهند. به شبانان اغلب آموزش داده می‌شود که فقط به

اورشلیم (مناطق محلی خود) خود بشارت دهند. مسیحیانی که مأموریت بزرگ عیسی را برای جهان نمی‌دانند، فقط به همسایگان نزدیک خود فکر می‌کنند و افرادی که به آنها دسترسی ندارند را حذف می‌کنند. فراخوان رسولان و کلیسای اولیه، در گسترش دایره‌ی تأثیرگذاری کلیسیا، خلاصه می‌شد.

«و از اندازه‌ی خود نگذشته در محنت‌های دیگران فخر نمی‌نماییم، ولی امید داریم که چون ایمان شما افزون شود، در میان شما بحسب قانون خود بغایت افزوده خواهیم شد. تا اینکه در مکان‌های دورتر از شما هم بشارت دهیم و در امور مهیا شده به قانون دیگران فخر نکنیم.» (دوم‌قرن‌تیمان ۱۰: ۱۵-۱۶).

همه در کلیساهای اولیه درک نمی‌کردند که خدا چه برنامه‌ای دارد، اما در رؤیایی به پطرس نشان داده شد که خدا می‌خواهد بشارت را به فراتر از یهودیان برساند. زمانی که کلیسا در باب ۱۵ برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه چگونه باید چه کاری برای امت‌ها انجام دهد جمع می‌شدند، هنوز این موضوع مطرح بود.

مانع شماره‌ی ۲: ترس از فرهنگ‌ها و گروه‌های مردمی دیگر (بیگانه‌هراسی)

کلیسای اولیه تقریباً به طور کامل یهودی بود و به عنوان یهودیان، قرن‌ها به آنها آموزش داده بودند که از غیریهودیان دوری کنند. زمانی که خدا در اعمال- رسولان باب ۱۰، سفره‌ای به پطرس نشان داد که از آسمان فرود آمد، این موضوع برای پطرس تجربه‌ای هیجان‌انگیز محسوب می‌شد. این سفره مملو از غذاهای ناپاک بود که نشان دهنده‌ی غذاهای غیریهودیان بود. خدا در حال شکستن حصار بین گروه‌های مردمی بود تا محبت او به غیریهودیان نیز بشارت داده شود. کلیسای اولیه یهود نیز با سامریانی که نیمی یهودی و نیمی غیریهودی بودند، دچار مشکل بود. مانع فرهنگی، حصار بود که پدید آمدن آن بسیار دشوار به نظر می‌رسید. ما در جوامع معاصر با همان حصارهای بین فرهنگ‌ها روبرو هستیم. مانند یونس در نینوا، ما گروه‌هایی داریم که طبیعتاً نمی‌خواهیم با آنها ارتباط برقرار کنیم. به یاد داشته باشید، خدا آنقدر دنیا را دوست داشت که عیسی را فرستاد.

مانع شماره ۳: نبرد روحانی

دشمن؛ یعنی شیطان، می‌خواهد مردم را از پیغام عیسای مسیح دور نگاه دارد، پس کار می‌کند تا مانع افرادی شود که مژده‌ی خوش را موعظه می‌کنند. دعا و دانستن اینکه یک ایماندار چه اقتداری در رساندن پیغام نجات به حیطه‌ای بزرگتر از افراد دارد که هر روز هم بزرگتر می‌شوند، ضروری است. در دوم‌قرن‌تین باب ۱۰، پولس می‌گوید با افزایش ایمان شما، حیطه‌ی تأثیرگذاری شما نیز بیشتر می‌شود. این ارتباط مستقیمی با ایمان شما و نحوه‌ی دعا کردن شما دارد.

عیسی گفت برای رسیدن به تاریکی دو چیز لازم است، دعا و حرکت. او در متی ۲۹:۱۲ گفت:

«و چگونه کسی بتواند درخانه شخصی زورآور درآید و اسباب او را غارت کند، مگر آنکه اول آن زورآور را ببندد و پس خانه او را تاراج کند؟»
توجه داشته باشید که ابتدا باید دشمن را ببندید. یکی از ترجمه‌ها می‌گوید:
"مرد قوی را ببند!"

بعد از دعای قدرتمند... حرکت کنید. برای رساندن بشارت به کسانی که در اسارت و بندگی شیطان هستند، اقدام کنید. زندان را پاک کنید و زندانیان را آزاد نمایید! مسیحیان و کلیساها اغلب یکی از این دو را انجام داده‌اند. هر دو برای سرقت از خانه او، مورد نیاز هستند.

«خلاصه ای برادران من، در خداوند و در توانایی قوت او زورآور شوید. اسلحه تمام خدا را بپوشید تا بتوانید با مکرهای ابلیس مقاومت کنید. زیرا که ما را کشتی گرفتن با خون و جسم نیست بلکه با ریاست‌ها و قدرت‌ها و جهان‌داران این ظلمت و با فوج‌های روحانی شرارت در جای‌های آسمانی.» (افسیان ۶: ۱۰-۱۲)

در سال ۱۹۸۷ رونالد ریگان در دروازه‌ی براندنبورگ در برلین ایستاد. او به آقای گورباچف گفت این دیوار را خراب کنید. او در مورد پرده‌ی آهنینی صحبت می‌کرد که مردم اروپای شرقی را در بردگی کمونیسم نگاه می‌داشت. ما می‌توانیم

از اورشلیم تا رُم/۳۵

همین رویکرد را در مورد شیطان داشته باشیم که بیش از سه میلیارد نفر را پشت دیوار دوری از انجیل، اسیر نگاه داشته است. پیغام ما این است: شیطان، این دیوار را خراب کن!

فصل چهارم

بشارت به گروه‌های مردمی جدید

کتاب اعمال رسولان، به جزئیات گسترش انجیل به گروه‌های مردمی جدید با هدایت روح القدس می‌پردازد. در روز پنطیکاست، مردم، عمدتاً یهودی بودند. فرهنگ، زبان و سیستم اعتقادی آنها کاملاً یهودی بود، حتی اگر آنها نماینده‌ی ملل مختلف از نظر جغرافیایی بودند.

یهودیان از تاریخ و عهد خود با خدا آگاهی داشتند و می‌دانستند که قوم برگزیده هستند. با گذر زمان عملکرد خدا بیشتر و بیشتر در مورد آنها و کمتر و کمتر در مورد دیگران عملی شد. قصد خدا این بود که از اسرائیل به عنوان برکت و نور برای ملت‌ها استفاده کند. وقتی تمرکز آنها متوقف شد، پیغام نیز متوقف شد.

زمانی که شاگردان از عیسی پرسیدند آیا اکنون زمان بازگرداندن پادشاهی به اسرائیل است، این خودمحموری و خودشیفتگی هنوز در اعمال رسولان باب اول مشهود بود. آنها هنوز در این تصور بودند که نقشه‌ی خدا فقط مربوط به آنها و ملت‌شان است. بسیاری از کلیساها با همین مشکل روبرو هستند. تمرکز ما می‌تواند به چنین چیزی تبدیل شود؛ بیشتر برای ما شود و کمتر برای آنها.

پاسخ عیسی در اعمال رسولان باب اول این بود که به آنها گفت چشمان خود را از خود بردارید و پیغام را به همه برسانید. این باید ما را امیدوار کند که بدانیم حتی پس از سه سال حضور فیزیکی با عیسی، آنها باز هم تمرکز خود را از دست داده بودند. روح القدس فرستاده شده است تا تمرکز ما را به حصاد بازگرداند و دوباره آن را تقویت کند.

کلیسای اولیه مسیح، چنان یهودی بود که برای مدتی صرفاً به عنوان یک فرقه در یهودیت تلقی می‌شد. پس از برخوردهای مختلف با غیریهودیان، کلیسای یهودیان باید تصمیم می‌گرفت که گروه‌های جدید در کلیسا باید در کجا قرار بگیرند؟ همه‌ی ایمانداران یهودی درک نمی‌کردند که امت‌ها می‌توانند جایگاه برابری با یهودیان ایماندار داشته باشند. ما این مناقشه را در سفرهای پولس و همچنین در بازگشت او از اورشلیم می‌بینیم.

یهودیان هلنیستی (یونانی زبان)، در کلیسا با یهودیان عبری‌زبان بر سر غذا دادن به زنان بیوه، اختلاف‌نظر داشتند. این درگیری با انتخاب و تأیید هفت مرد برای رسیدگی به توزیع غذا، به طرز ماهرانه‌ای حل شد.

سپس انجیل در اعمال رسولان باب هشتم به یهودیه و سامره گسترش یافت. مرگ استیفان باعث جفا به کلیسای اولیه شد. نتیجه این بود که رسولان در اورشلیم ماندند، در حالی که کلیسا به طور کلی پراکنده شد. آنها همانطور که می‌رفتند، با هر کسی که روبرو می‌شدند، سخن می‌گفتند. آنچه دشمن به منظور شر انجام داده بود، خدا برای انتشار پیغام نجات به مناطق دورتر به کار گرفت.

همچنین در اعمال رسولان باب هشتم می‌بینیم که روح‌القدس با فرستادن فلیپس نزد خواجه سرای حبشی، بشارتی را ترتیب داد. آن حبشی برای عبادت خدا به اورشلیم سفر کرده بود، اما ناکام ماند. فلیپس توانست درست همانجا در جاده او را به سوی نجات و تعمید آب، هدایت کند. خواجه‌ها در زمان کاندیس، ملکه اتیوپی‌ها، از اختیارات زیادی برخوردار بود، بنابراین این احتمال زیاد است که هنگام بازگشت به خانه به عنوان پیرو عیسی، می‌توانست تأثیرگذاری فراوانی بر دیگران داشته باشد. تاریخ نشان می‌دهد که کلیسای اتیوپی یکی از اولین گروه‌های مسیحی بوده‌اند.

در اعمال رسولان باب ۱۰، درها به روی غیریهودیان باز می‌شود، زیرا پطرس رؤیایی از جانب خداوند دریافت می‌کند. در این رویا او غذاهای حرام و ناپاک را

می‌بیند. خدا به او می‌گوید که این غذاها را بخورد، اما پطرس به عنوان یک یهودی مقاومت می‌کند. پیغام این است؛ هر چیزی که خداوند پاک می‌نامد، غذا یا مردم، در واقع پاک است. البته می‌بینیم که روح‌القدس پطرس را هدایت کرد تا پیغام را به غیریهودیان نیز برساند.

این وقایع وقتی رخ داد که پطرس در خانه‌ی یک سرباز رومی به نام کرنلیوس مهمان بود. کرنلیوس می‌دانست که پطرس می‌آید تا از طرف خدا با آنها صحبت کند. او اقوام و دوستان نزدیک خود را جمع کرد تا پیغام را بشنوند. هنگامی که پطرس در حال موعظه بود، غیریهودیان اتفاقی مشابه یهودیان با آنچه یهودیان در روز پنطیکاست تجربه کرده بودند را تجربه کردند. روح‌القدس جاری شد و آنها به زبان‌های دیگر صحبت کردند. پطرس و همراهانش این را عمل از جانب خدا دانستند و این غیریهودیان را در کلیسا، تعمید دادند.

در اعمال رسولان باب ۱۱، می‌بینیم که مسیحیان یهودی جدید در اورشلیم آماده نبودند که بپذیرند مأموریت پطرس به غیریهودیان نیز مرتبط است. پطرس از خود دفاع کرد و توضیح داد که چگونه روح‌القدس جلسه را در خانه‌ی کرنلیوس مزین کرد و بر غیریهودیان نیز جاری شد. کلیسا با اکراه پذیرفت که شاید خدا به فکر مردمی فراتر از نژاد یهودی است.

«و چون شروع به سخن گفتن می‌کردم، روح‌القدس بر ایشان نازل شد، همچنان که نخست بر ما. آنگاه به‌خاطر آوردم سخن خداوند را که گفت: "یحیی به آب تعمید داد، لیکن شما به روح‌القدس تعمید خواهید یافت. پس چون خدا همان عطا را بدیشان بخشید، چنانکه به ما محض ایمان آوردن به عیسای مسیح خداوند، پس من که باشم که بتوانم خدا را ممانعت نمایم؟ چون این را شنیدند، ساکت شدند و خدا را تمجیدکنان گفتند: «فی الحقیقت، خدا به امتهای نیز توبه حیات بخش را عطا کرده است! و آنانی که به سبب اذیتی که در مقدمه استیغاف برپا شد متفرق شدند، تا فینیکیا و قبرس و انطاکیه می‌گشتند و به هیچ‌کس به غیر از یهود و بس کلام را

نگفتند. لیکن بعضی از ایشان که از اهل قبرس و قبروان بودند، چون به انطاکیه رسیدند با یونانیان نیز تکلم کردند و به خداوند عیسی بشارت می‌دادند، و دست خداوند با ایشان می‌بود و جمعی کثیر ایمان آورده، به سوی خداوند بازگشت کردند.» (اعمال رسولان ۱۱: ۱۵-۲۱).

ما در آیه‌ی ۱۹ می‌بینیم که سایر ایمانداران نیز به فراتر از سرزمین‌های یهودیان بشارت دادند، به ویژه، ایمانداران به فینیقیه، جزیره‌ی مدیترانه، قبرس، و انطاکیه و سوریه رفتند. در انطاکیه بود که کلیسای غیریهودی تمایل خود را برای حمایت از این موضوع، بنا نهاد. برنابا برای پیگیری گزارش‌ها به انطاکیه رفت و از دیدن شواهد جاری شدن فیض خدا بر غیریهودیان، خوشحال شد. او پولس را پیدا کرد و آن دو، همراه با دیگر رهبران، کلیسا را آموزش دادند و بر رشد و تقویت آن نظارت داشتند. ایمانداران برای اولین بار در اینجا، در این شهر، مسیحی خوانده شدند. آنها متمایز بودن خود را به عنوان پیروان عیسی بدون اینکه یهودی باشند، به رسمیت شناختند. انجیل با موفقیت فرهنگ، زبان و موانع جغرافیایی را در هم نوردید.

مسلماً، از انطاکیه، اولین مأموریت بشارتی آگاهانه آغاز شد. در حالی که کلیسای اورشلیم تمایلی برای رسیدن به فراتر از مرزهای خود نداشت، کلیسای انطاکیه برای دسترسی به فرهنگ‌های دیگر، مشتاق به نظر می‌رسید. هنگامی که رهبران کلیسا در انطاکیه یک جلسه دعا و عبادت برای خداوند برگزار می‌کردند، روح‌القدس به طور خاص در مورد وظیفه بردن پیغام نجات به مناطقی دورتر نیز با آنها صحبت کرد. پولس و برنابا بدون شک، دعوتی برای رفتن احساس کرده بودند، اما این کلام نبوتی دعوت آنها را تأیید کرد.

پولس و برنابا از کلیسای محلی فرستاده شدند. این نمونه و الگویی برای همه‌ی کلیساهای محلی ایجاد کرد. هر کلیسای محلی باید مسئولیت تبدیل شدن به یک نمایندگی برای فرستادن را، تا حد امکان بر عهده بگیرد. سازمان‌های

بشارتی و سازمان‌های خدماتی، وظیفه فرستادن میسیونرها را بر عهده گرفته‌اند، زیرا کلیساهای محلی در سراسر جهان از تبدیل شدن به کلیسای‌های فرستنده، خودداری کرده‌اند. خداوند در نظر داشته که کلیساهای محلی، وظیفه‌ی فرستادن مبشران به نقاط دیگر دنیا را، بر عهده بگیرند. خدا را شکر که کلیساها شروع به پاسخ دادن کردند. می‌گویند: "کلیسای محلی، امید جهان است." من واژه‌ای به آن اضافه کرده و می‌گویم امید تمام جهان است.

از این نقطه به بعد در اعمال رسولان شاهد سفرهای بشارتی و گسترده شدن آگاهانه‌ی مرزها هستیم. می‌بینیم که پولس و برنابا به قبرس می‌رسند و به ترکیه امروزی سفر می‌کنند. پولس در مجموع به سه سفر بشارتی می‌رود. او همچنین در آخرین سفرش به رُم تحت تعقیب قرار می‌گیرد. پولس به وضوح می‌گوید که می‌خواهد بشارت را به رومیان برساند و در صورت امکان به اسپانیا سفر کند.

در اعمال رسولان باب ۱۵، رهبران کلیسا گرد هم آمدند تا یک بار برای همیشه این موضوع را حل و فصل کنند که آیا پیغام نجات واقعاً برای همه‌ی بشریت در نظر گرفته شده است؟! آنها با اکثریت قاطع تصمیم گرفتند که غیریهودیان باید انجیل را بشنوند و زیر بار الزامات فرهنگی یهودیان نروند. آنها نامه‌ای نوشتند و تصمیم خود را توضیح دادند و این نامه با خوشحالی مورد استقبال ایمانداران غیریهودی، قرار گرفت.

حتی با اینکه می‌بینیم پولس و سایر مسیحیان اولیه انگیزه‌ی بسیاری دارند تا پیغام را منتشر کنند، مهم است که بدانیم روح‌القدس نیروی محرکه و استراتژیست اصلی آنها محسوب می‌شد. نمونه‌ای از آن در اعمال رسولان باب ۱۶ می‌بینیم. پولس و همراهش فعالانه سعی می‌کردند برای موعظه وارد مناطق خاصی شوند و روح‌القدس مسیر آنها را تغییر می‌دهد.

«و چون از فریجیه و دیار غلاطیه عبور کردند، روح‌القدس ایشان را از رسانیدن کلام به آسیا منع نمود. پس به میسیا آمده، سعی نمودند که به بطینیا بروند، لیکن

روح عیسی ایشان را اجازت نداد. و از میسیا گذشته به ترواس رسیدند. شبی پولس را رویایی رخ نمود که شخصی از اهل مکادونیه ایستاده بود التماس نموده گفت: «به مکادونیه آمده، ما را امداد فرما. چون اینرویا را دید، بی‌درنگ عازم سفر مکادونیه شدیم، زیرا به یقین دانستیم که خداوند ما را خوانده است تا بشارت بدیشان رسانیم.» (اعمال رسولان ۱۶: ۶-۱۰)

روح‌القدس آنها را از رفتن به جایی که می‌خواستند بروند، باز داشت، تا بتوانند به قاره‌ی اروپا فرستاده شوند و پیغام را در قاره‌ای جدید، بکارند. عیسی خداوند حصاد و روح‌القدس استراتژیست اصلی آن است. رهبری او برای همه‌ی ما کلیدی است تا بتوانیم نقش خود را ایفا کرده و نزد افراد مناسب، در زمان مناسب و در مکان مناسب فرستاده شویم.

کتاب اعمال رسولان با رسیدن پولس به رُم، به پایان می‌رسد تا در برابر سزار بایستد. روایات می‌گویند که او ممکن است آزاد شده و سپس برای بار دوم به زندان افتاده باشد و به خاطر ایمانش به شهادت رسیده باشد. چه این اتفاق افتاده باشد یا نه، کتاب اعمال رسولان با موعظه‌ی پولس در رُم، به همه‌ی کسانی که می‌خواهند گوش دهند، پایان می‌یابد. حتی کسانی که در خانواده‌ی سزار بودند، تحت تأثیر انجیل قرار گرفتند.

برای یهودیان در اورشلیم، رُم دورترین مکان دست‌یابی به تمدن به حساب می‌آمد. رُم واقعاً برای آنها نماینده‌ی اقصای جهان محسوب می‌شد. آنها در رساندن پیغام نجات به دنیای زمان خود، موفق بودند.

مهم است که کتاب اعمال رسولان را به عنوان تاریخ جنبش و حرکت پیغام بدانیم و همچنین آن را به عنوان یک استراتژی برای یک جنبش، قلمداد کنیم. هدف همان است. خدا می‌خواهد که هر قوم و گروه‌های مردمی، بشارت را بشنوند.

روش هم همینطور است. جنبشی که این پیغام را به همراه خود دارد، قرار است با جاری شدن قوات و معجزات مشخص شود. موانع شکسته می‌شوند، نه با عقل، بلکه با قدرت خدا که از طریق پیروان وفادار عیسی نشان داده شده است. در مرقس باب ۱۶ هنگامی که عیسی مأموریت بزرگ را تعیین می‌کند، می‌گوید که نشانه‌ها، شفاه و تجلیات روح‌القدس در میان ایمانداران آشکار شده و آنها را همراهی می‌کنند. خداوند پیغام خود را با امضای خود تأیید می‌کند: آیات و معجزات.

به نظر می‌رسد کلید جاری شدن این معجزات پیشرفت پیغام نجات بود. همانطور که پیغام پیش می‌رفت، قدرت بیشتری جاری می‌شد. کاری که ایمانداران باید انجام دهند این است که این پیغام را پویا و پیش‌رونده نگاه دارند.

کلیسای اولیه مجبور بود با موانع فرهنگی، موانع زبانی، موانع مذهبی، موانع جغرافیایی و تعصب عمیق علیه‌ی گروه‌های جدید مردمی، روبرو شود اما آنها شاهد پیشرفت‌های بزرگی نیز بودند. با قدرت روح‌القدس و با داشتن دید روشنی برای حفظ آن پیغام، آنها توانستند با پیغام عیسای مسیح بر دنیای خود تأثیر بگذارند. در پایان کتاب اعمال رسولان، پولس را می‌بینیم که بدون مانع از رُم موعظه می‌کند و حتی برخی از خاندان سزار به عیسی به عنوان مسیح، ایمان می‌آورند. آنها موفق بودند! آنها از اورشلیم به رُم رفته بودند.

بخش دوم

ما چگونه می‌توانیم با پیروی از استراتژی قرن اول که در کتاب اعمال رسولان ثبت شده است، به دنیای اطراف خود در قرن بیست و یکم، پیغام نجات را برسانیم؟

فصل پنجم داستان ما

در زمان نگارش این کتاب، من و همسر من به زودی ۳۲ سال خواهد شد که در یک کلیسای محلی، مشغول خدمت شبانی هستیم. ما در یک شهر کوچک، در ایالت میزوری زندگی می‌کنیم که حدود یک ساعت خارج از سنت لوئیس است. کلیسای ما رشد کرده است و ما در اینجا فصل فوق‌العاده‌ای از خدمت را پشت سر گذاشته‌ایم.

همانطور که قبلاً گفتم، اولین آرزوی قلبی من، تحقق مأموریت بزرگ بود. من در کلیسایی در گلاسکوی اسکاتلند، سال‌ها به عنوان کمک شبان خدمت کرده‌ام و بیش از ۴۰ سفر بشارتی، داشته‌ام. اولین رهبران روحانی من عشق به مأموریت بزرگ را در من نهادینه کردند. من خیلی زود فهمیدم که قلب خدا برای تمام دنیا می‌تپد.

اما با این حال این نکته جالب توجه است که من و بکی مدت بسیاری در کلیسای خودمان خدمت کردیم. حتی با وجود اینکه ما واقعاً مردم این کلیسا را دوست داریم، اما چندین بار تصمیم گرفتیم که شبانی را متوقف کنیم و به عنوان مبشران به خارج از کشور برویم، اما احساس کردیم هنوز وقت آن نرسیده است. ما با افرادی که به آنها اعتماد داشتیم، مشورت کردیم. راهنمایی‌های بسیاری دریافت کردیم که به جای این که خودمان به عنوان مبشران حرکت کنیم، کلیسایی تجهیز شده را تقویت و بسیج کنیم که متمرکز بر مأموریت بزرگ باشد.

حتی با وجود اینکه ده یک درآمد خود را به مأموریت بزرگ اختصاص می‌دهیم و افرادی را به عنوان مبشران برای کوتاه مدت از کلیسای خود روانه می‌کنیم، اما

استراتژی خوبی برای پایان دادن به وظیفه بشارت جهانی، نداشتیم. متوجه شدم که سایر کشیش‌ها و کلیساها به سازمان‌های خدماتی، مبالغی را پرداخت می‌کنند اما معمولاً این کمک‌ها برای حمایت از مدارس مسیحی اختصاص داده می‌شود. تا زمانی که کلیسا برای رسیدن به بشارت جهانی، استراتژی خوبی داشته باشد، هیچ اشکالی ندارد که مبشران به عنوان همکاران و متحد با هم عمل کنند.

من به دانشکده‌ی خود در دانشگاه ریجنت بازگشتم و در آنجا با استاد واحد مأموریت بزرگ، دکتر هوارد فولتز، ملاقات کردم. در دوره‌هایی که با او داشتم، او در مورد داشتن یک برنامه مأموریتی کاملاً منظم بر اساس اعمال رسولان ۸:۱، به اورشلیم، یهودیه، سامره، و اقصای جهان اشاره کرد. «اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.» (اعمال رسولان ۱:۸).

حیطه‌ای که ما واقعاً در آن کوتاهی کردیم، اقصای جهان بود. مناطقی از جهان که بشارت به آنجا نرسیده است، معمولاً بیش از هر مکان دیگری مورد بی‌توجهی قرار گرفته است؛ عمدتاً فقط به دلیل عدم نظارت و عدم وجود استراتژی مشخص! بسیاری از کشیشان، با میسیونرهایی که بر مناطقی از جهان که بشارت به آنجا نرسیده است، ناآشنا هستند. لزوماً این حقیقت به این معنا نیست که آنها نمی‌خواهند به آن نقاط جهان بشارت دهند، بلکه آنان در واقع نمی‌دانند که چگونه باید این کار را انجام دهند.

همکاری ما با دکتر فولتز و سازمانی که او تأسیس نمود (تسریع استراتژی های مأموریت بین المللی یا AIMS)، به ما کمک کرد تا بتوانیم مژده‌ی نجات را به این مناطق برسانیم و با تربیت خادمین و بانیان کلیساها در آن مناطق، این مأموریت را محقق سازیم. ما همچنین شروع به کار با سازمانی دیگر نمودیم که بشارت را به پنجره‌ی ده در چهل می‌رساند. بشارت به آن بخش‌هایی از جهان، که مژده‌ی نجات، هنوز به آنجا نرفته است، ممکن است کاری غیرممکن به نظر برسد.

برخی از کلیساها ممکن است مبشرانی را بشناسند که این کار را به خوبی انجام می‌دهند، اما برای اکثر کشیشان این واقعاً دنیای دیگری است. بهترین راه برای شروع این است که فردی را پیدا کنید که به طور مؤثر در نقاطی از جهان که بشارت کلام را ننشیده‌اند، خدمت می‌کند و همکاری خود را با او آغاز کنید. این ممکن است فقط با حمایت مالی باشد و ممکن است در نهایت شامل رفتن یا فرستادن فردی از کلیسای شما باشد. روح‌القدس ما را هدایت نمود و با مبشرانی کلیدی آشنا شدیم و او این کار را برای هر کلیسایی انجام خواهد داد.

بشارت‌های ما در حال حاضر به سمت هر چهار حوزه‌ی بشارت عمومی، گسترش یافته است. چند سال طول کشید، دعای بسیاری کردیم و با آزمون و خطا پیش رفتیم. ما حتی در این مسیر اشتباهاتی داشتیم و گاه‌گاه‌های نادرستی برداشتیم. کلیسای ما نمی‌تواند به تمام دنیا بشارت را برساند، اما در همکاری با دیگران، می‌توانیم سهم خود را انجام دهیم.

من معمولاً فردی نیستم که خواب و رؤیا ببینم، هر چند معتقدم آنها کاملاً کتاب‌مقدسی هستند. در چند سال اول به عنوان کشیش کلیسا، رویایی دیدم. پس از بیدار شدن، باور داشتم که این رویا از جانب خداوند بوده است. من هنوز هم معتقدم این خواب از سوی خدا بود، هر چند تا مدتی، آن را به اشتباه تفسیر می‌کردم. در خواب در کشوری بیگانه بودم که در آن بیداری بزرگی در حال وقوع بود. بسیاری از مردم تصمیم گرفتند که از عیسی پیروی کنند.

من ناامید بودم زیرا راه خوبی برای پیگیری وضعیت نوایمانان نداشتم و این ناامیدی را با صدای بلند بیان کردم. بدون اینکه خداوند یا فرشته‌ای را ببینم یا صدایی بشنوم، در خواب گفتم: "می‌دانم چه خواهم کرد! من همان کاری را خواهم کرد که آنها در کتاب‌مقدس انجام دادند!" پس از اعتراف این سخن، من از الگوی عیسی در لوقا ۹: ۱۰-۱۷ پیروی کردم. در داستان تعداد زیادی گرسنه وجود داشت و شاگردان نمی‌دانستند، چه باید بکنند. آنها به عیسی گفتند و او از مردم خواست

تا به گروه‌های پنجاه نفری تقسیم شوند. غذا را برکت داد و به شاگردان داد و همه سیر شدند.

وقتی از خواب بیدار شدم فکر کردم رویا مربوط به گروه‌های خانگی کوچک است. بر اساس این ما گروه‌های کوچکی را در کلیسا راه‌اندازی کردیم و آنها بسیار موفق عمل کردند. من اکنون معتقدم که موضوع رویا ساده بود: ایجاد کلیساهای خانگی در جنبش‌های تأسیس کلیسا! جنبش تأسیس کلیسا، باعث تکثیر سریع کلیساها در یک فرهنگ می‌گردد. هنگامی که این اتفاق می‌افتد، این همان چیزی است که خداوند حکم فرموده و آن را نظارت می‌کند. این اتفاق در سراسر جهان، در بسیاری از فرهنگ‌های مختلف رخ می‌دهد و من معتقدم در سال‌های آینده افزایش هم خواهد یافت.

از طریق سازمان‌هایی مانند AIMS و سایرین، ما توانسته‌ایم صدها کلیسای محلی را در مناطقی از جهان که مزدهی کلام به آنها نرسیده، حمایت مالی کنیم. من می‌خواهم کلیساها و شبانان دیگر را نیز تشویق کنم که اگر بتوانید با استراتژی عمل کنید؛ و روش‌ها را بیاموزید؛ تأثیرگذاری بیشتری خواهید داشت. البته تمام تلاش‌هایی که در راستای مأموریت بزرگ صورت می‌گیرند، مأموریت‌های هوشمندانه‌ای هستند، اما برخی از تلاش‌ها بهتر جواب می‌دهند.

فصل ششم داستان خود را بنویسید

خدا برای هر کلیسای محلی، یک برنامه و هدف خاص و منحصر به فردی دارد. عیسی گفت که به اورشلیم، یهودیه، سامره و اقصای جهان، بشارت دهیم. روح القدس برنامه‌ای دارد که به شما کمک می‌کند آن را در زمینه و موقعیت منحصر به فرد خود، انجام دهید. هر فرد و هر کلیسای محلی باید یک رویای جهانی داشته باشد. ما فراخوانده شده و تجهیز شده‌ایم تا اگر نقشه‌ی او را دنبال کنیم، به هر منطقه به طور همزمان بشارت را برسانیم.

اعمال رسولان نه تنها تاریخچه‌ای از مأموریت بزرگ را به ما ارائه می‌کند، بلکه به ما استراتژی نیز می‌دهد. با پیروی از مثال و حتی شکست‌های کلیسای اولیه، می‌توانیم طرح ابدی خدا را برای رساندن عشق و حقیقت به همه، انسان‌ها در همه جا را درک کنیم و آن را اجرا نماییم. بسیار سالم است که بپرسیم چگونه کلیسای اولیه توانست تا این حد مؤثر عمل کند؛ و برای درک و اجرای آن روش در قرن بیست و یکم، چه باید کرد؟

قلب و منابع مأموریت رساندن پیغام نجات چنان طراحی شده که از کلیسای محلی جاری شود. در اعمال رسولان، کلیسای اورشلیم و انطاکیه مسئولیت فرستادن کسانی را پذیرفتند که برای گسترش پیغام، دعوت شده بودند. در گذشته، سازمان‌های مأموریت بشارتی، مجبور شده‌اند کاری را انجام دهند که از ابتدا خواندگی و دعوت کلیسا بوده است.

وقتی که رهبری یک کلیسای محلی به دنبال دعوت خداوند باشد، او راهبردی برای تأثیرگذاری محلی و بین‌المللی، اتخاذ خواهد نمود. خدا می‌خواهد که تمام رهبران کلیسا چنان ایمانی داشته باشند، که بتوانند جهان را تغییر دهند.

به عنوان یک شبان که بیش از سه دهه خدمت نمودم، برخی از مبشرانی را دیده‌ام که متأسفانه با تحقیر بسیاری با شبانان صحبت می‌کنند که قلب آنها، فقط برای موعظه به اجتماع محلی خود، می‌تپد. بارها توسط مبشران خوش‌نیت به آنها گفته شده است: "هیچ‌کس لیاقت این را ندارد که مزدهی نجات را دو بار بشنود، مگر اینکه همه یک بار آن را شنیده باشند!" برای آنها بسیار آسان است که این تصور را ایجاد کنند که تنها چیزی که برای خدا مهم است؛ جهان است و نه فقط کلیسای آنها. این دل خدا نیست! او هر کلیساهای محلی و جوامعی که آنها به آن بشارت می‌دهند را بسیار دوست دارد. مأموریت بزرگ در واقع به گونه‌ای طراحی شده است که از یک اورشلیم سالم (کلیسای محلی)، سرریز شود.

افراط دیگر این است که بگوییم خدا تنها پس از آنکه همه در جامعه‌ای که ما در آن هستیم پیغام نجات را شنیدند، از ما خواهد خواست که این پیغام را فراتر از جامعه‌ی خود ببریم. هر دوی این افراط و تفریط‌ها از نکته‌ای اصلی غافل شده‌اند. یک اورشلیم سالم، می‌تواند همزمان به سطح محلی و بین‌المللی بشارت دهد، اگر کلیساها و مبشران ب یکدیگر خدمت کنند؛ نه با یکدیگر رقابت!

خدا هرگز نمی‌خواهد که کلیسای محلی با خدمات مأموریت برای رساندن پیغام نجات، رقابت کند. او کلیسای محلی را طوری طراحی کرد که انگیزه و منبع این مأموریت‌ها باشد. تنها راه برای بشارت مؤثر به جهان این است که کلیسای محلی و رهبری کلیسای محلی مان را اطاعت کنیم، هر جا که می‌خواهد باشد. به عنوان یک شبان آسان است که فکر کنیم، مبشران به کلیسای محلی اهمیتی نمی‌دهند و آنچه به در واقع بسیار مهم است منبع مالی‌ای است که آنها برای این کار ارایه می‌کنند. کار کردن با کسی که شما را تنها یک شریک کوچک مالی

می‌داند، دشوار است. کلیسای محلی و مبشران، می‌توانند و باید با هم کار کنند تا بشارت را به حصادی که در سراسر جهان است، برسانند.

کلیساهای محلی؛ جلسات دعا، اردوهای تفریحی و جلسات مشورتی را برای درک هدف خدا برگزار می‌کنند. من این کلیساها را تشویق می‌کنم که این روند را با در نظر گرفتن همه‌ی دنیا، ادامه دهند. نه تنها هدف محلی خود را کشف کنید، بلکه کشف کنید که خدا چگونه می‌خواهد از شما برای رسیدن به کل جهان نیز، استفاده کند. همانطور که یک دعوت محلی وجود دارد، هر کلیسای عهدجدیدی یک دعوت برای رساندن پیغام به همه‌ی افراد، در دورترین نقاط دنیا را نیز دارد. خدا به شما اعتماد نموده که قلب او برای دنیا باشید.

در چند فصل آینده به طور خاص شروع خواهیم کرد به بحث در مورد اینکه چگونه یک کلیسای محلی و رهبری آن می‌تواند قلب خود را گسترش دهد، تا بتواند کل دید خدا را در نظر بگیرد و بر اساس آن عمل کند.

فصل هفتم حصاد را ببینید

عیسی در یوحنا ۴:۳۵ به شاگردان خود گفت که حصاد را ببینند: «آیا این سخن را نشنیده‌اید که "چهار ماه بیشتر به موسم درو نمانده است؟" اما من به شما می‌گویم، چشمان خود را بگشایید و ببینید که هم‌اکنون کشتزارها آماده‌ی درو است.»

شاگردان از مشکلاتی که با آن روبرو بودند، آگاهی داشتند، اما از پتانسیلی که همراه آنها بود، بی‌اطلاع بودند. عیسی گفت بیدار شوید و افرادی را که آماده هستند به پیغام محبت خدا پاسخ دهند، ببینید.

یعقوب ۵:۷ برای ما آشکار می‌کند که حصاد، مردم هستند. «پس ای برادران، تا آمدن خداوند صبر پیشه کنید. بنگرید چگونه دهقان انتظار می‌کشد تا زمین محصول پرارزش خود را به بار آورد؛ چگونه صبر می‌کند تا باران-های پاییزی و بهاری بر زمین ببارد.»

به حصاد نگاه کنید. از دنیایی که در آن زندگی می‌کنید، آگاه شوید. Operation World یک کتابچه راهنمای دعا است که شما را با نیازهای دعای هر کشوری آشنا می‌کند و به طور خاص نیازهای دعا برای آن کشور یا منطقه را فهرست‌وار بیان می‌کند. این یکی از روش‌های درک دنیای اطراف‌تان است. هر کجا که هستید، می‌توانید از آنجا دنیا را ببینید (عمل نسخه‌ی جهانی قرن بیست-ویکم توسط پاتریک جانستون و جیسون ماندریک منتشر شده در سال ۲۰۰۱ به صورت آنلاین در دسترس است).

معمولاً پتانسیلی که در حصاد وجود دارد را از دست می‌دهیم زیرا، از عدسی منفی بینانه و افسرده‌ی فرهنگ خود، به موضوعات می‌نگریم. ما باید عمداً به دنبال بیان کارهایی باشیم، که خدا انجام می‌دهد. ما اغلب آنها را در پشت صحنه یا زیرزمین، در مکان‌های دور دست در سراسر جهان می‌یابیم. گزارش‌های فراوانی از بیداری در مکان‌های دشواری چون چین، ایران و سایر کشورهای با دسترسی محدود، وجود دارد.

یک مبشر مشهور می‌گوید: "وقتی کلمه‌ی پناهنده را می‌شنوم، به فکر احیاء می‌افتم. همانطور که آزار و شکنجه و شرایط بد باعث آماده شدن حصاد در مکان-هایی شد که کلیسای اولیه آن را برنامه‌ریزی نکرده بود، جفا در دنیای مدرن امروزی نیز می‌تواند مانند بنزینی بر روی آتش عمل کند!" اشعیا ۶۰: ۲-۳ تصویری از کار خدا را ارایه می‌دهد که می‌گوید در زمان جفا، تاریکی جهان افزایش می‌یابد: «زیرا اینک تاریکی جهان را و ظلمت غلیظ طوایف را خواهد پوشانید اما خداوند بر تو طلوع خواهد نمود و جلال وی بر تو ظاهر خواهد شد و امت‌ها بسوی نور تو و پادشاهان بسوی درخشندگی طلوع تو خواهند آمد.»

مزمور باب ۲۳ به ما می‌گوید که خدا در حضور دشمنان مان برای ما سفره‌ای آماده می‌کند. خدا ناظر خوبی است. او از همه چیز و هر چیزی برای رسیدن به هدفش استفاده خواهد کرد.

اگر حصاد را نمی‌بینید، تمایلی به برداشت محصول نیز نخواهید داشت. همه‌ی ما بر اساس برداشت خود از حقیقت عمل می‌کنیم، حتی اگر برداشت ما اشتباه باشد. اطلاعات نادرست و ناقص می‌تواند باعث شود که در نور و حقیقت، قدم نزنید.

دیدن حصاد از محله‌ی شما آغاز می‌شود. یاد بگیرید که اطرافیان تان را همانطور که خدا به آنها می‌نگرد، بنگرید. از خدا بخواهید که چشمان شما را به روی حقیقت در مورد مردم، دردها و مشکلات آنها باز کند. خدا از طریق شما شروع

به جاری کردن شفقت خود خواهد کرد و شما را بدون تغییر باقی نخواهد گذاشت. وقتی دلت به سمت مردم کشیده شود، دیگر به حالت اولیه‌ی خود، باز نخواهی گشت.

گاهی لازم است برای دیدن حصاد حرکت کنیم. یک سفر مأموریتی کوتاه-مدت به شما چشم‌اندازی از زندگی واقعی افراد واقعی در محیطی دیگر می‌دهد. حضور شما در آنجا به شما کمک می‌کند، واضح‌تر ببینید.

خود و کلیسای تان را در معرض مردم فرهنگ‌های دیگر قرار دهید. شما می‌توانید این کار را شخصاً یا با تماشای برنامه‌های تلویزیونی یا فیلم‌های مربوط به فرهنگ‌های دیگر، انجام دهید. حتی یک برنامه‌ی تلویزیونی، سفر شما آغاز شود. حتی افرادی بوده‌اند که در تعطیلات خود به خارج از کشور رفته‌اند و با قلبی تبدیل شده، بازگشته‌اند. اگر بتوانید در اطراف افرادی با فرهنگ‌های غیر قرار بگیرید و ببینید که آنها چه افکار، احساسات، نیازها و خواسته‌هایی دارند، این می‌تواند چشمان شما را باز کند.

در طول سال‌ها، کلیسای ما میزبان واعظین مهمان بسیاری بوده است، که از فرهنگ‌های دیگری بوده‌اند. بنابراین کلیسای محلی ما این فرصت را داشته است که از دیدگاهی جهانی، به دنیا بنگرد. همه مسیحیان باید مسیحیانی جهانی باشند، و بتوانند اهمیت جهانی را ببینند، که عیسی جانش را برای آن فدا کرد.

یک بار به کشور دیگری رفته بودم و در حال قدم زدن، این موضوع به ذهنم خطور کرد که من هر جا که باشم، می‌توانم از دریچه‌ی همان مکان، به کل دنیا بنگرم.

فصل هشتم برای حصاد دعا کنید

«ایشان را به کوه قدس خود خواهیم آورد و ایشان را در خانه عبادت خود شادمان خواهیم ساخت و قربانی های سوختنی و ذبایح ایشان بر مذبح من قبول خواهد شد، زیرا خانه من به خانه عبادت برای تمامی قومها مسمی خواهد شد و خداوند یهوه که جمع کننده ی رانده شدگان اسرائیل است، می گوید که «بعد از این دیگران را با ایشان جمع خواهم کرد علاوه بر آنانی که از ایشان جمع شده اند.» (اشعیا ۵۶: ۷-۸).

«از من درخواست کن و امت هارا به میراث تو خواهم داد. و اقصای زمین را ملک تو خواهم گردانید.» (مزامیر ۲: ۸).

«پس بدیشان گفت: «حصاد بسیار است و عمله کم. پس از صاحب حصاد درخواست کنید تا عمله ها برای حصاد خود بیرون نماید.» (لوقا ۱۰: ۲)

عیسی هنگامی که موضوع بشارت به حصاد مطرح می شود، بسیار واضح سخن می گوید. او خداوند حصاد است و گفت که از او بخواهیم تا کارگرانی را برای حصاد بفرستد.

تا این زمان عیسی به تعلیم، موعظه و شفای بیماران می پرداخت. ثمرات خدمت او زمانی که شاگردانش را وارد خدمت کرد، چند برابر شد. عیسی تمام تلاش خود را می کرد تا کارگرانی را جمع کند تا به او کمک کنند پیغام را منتشر کنند.

دعا، به معنای بستن مرد زورآور، قبل از غارت خانه او است. سرقت از خانه ی او، همان برداشت محصول است. دعا و بشارت باید در کنار هم عمل کنند تا مؤثر واقع شوند. برخی از کلیساها دعا می کنند، اما هرگز خودشان نمی روند و کارگری

نیز نمی فرستند. ممکن است برخی بروند و بفرستند، اما اول دعا نکنند. بستن مرد زورآور در دعا و رفتن به سوی حصا، مانند دو لبه‌ی قیچی است. هر دو برای انجام مؤثر کار، ضروری هستند.

افراد در حال دعا و همچنین دعای جمعی، زمینه را برای عمل نمودن خدا فراهم می کنند. فردی چنین گفت: «وقتی کار می کنیم، کار می کنیم. وقتی ما دعا می کنیم، خدا کار می کند.» کتاب مقدس به وضوح به اقتداری که در عیسای مسیح به مسیحیان سپرده شده است، اشاره می کند. کسانی که آن قدرت و قدرت در نام عیسی را درک می کنند، می توانند ملت‌ها را از خلوتگاه دعای خود، تغییر دهند. هنگامی که قوم خدا دعا می کند، خداوند اراده‌ی خود را بر زمین اجرا می کند. «و خدای سلامتی بزودی شیطان را زیر پای‌های شما خواهد سایید. فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.» (رومیان ۱۶: ۲۰).

در روزهای اولیه شبانی در شهری حومه‌ای در میزوری، من و همسرم تجربه‌ای داشتیم که الهیات ما را دگرگون ساخت، اما در نهایت به ما کمک کرد تا به افراد بیشتری بشارت دهیم. همسرم بکی خواب و من بیدار بودم. دقیقاً در همان زمان او خواب دید که در خانه ما روح شریبری وجود دارد و من ناگهان حضور روح شریبری را در خانه‌مان احساس کردم. این تجربه آنقدر واقعی بود که نمی توانستم حرف بزنم یا حرکت کنم. ترس وجودم را فرا گرفت و افکار عجیبی در مغزم پدیدار شد. می دانستم که باید با چنین چالشی در روح مبارزه کنم. ترس واقعاً محسوس بود.

نمی دانستم چه کنم یا چگونه با این حضور برخورد کنم. کتاب مقدس خود را برداشتم و به اتاق دیگر رفتم و هدایت شدم تا رساله‌ی اول یوحنا ۴:۴ را بخوانم. «ای فرزندان، شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته‌اید زیرا او که در شماست، بزرگتر است از آنکه در جهان است.»

بعد از دقایقی ترس‌ها رفع شد و اقتداری الهی را در خود احساس کردم. من آن نیروی روحانی و روح ترس را نهیب زدم و او آنجا را ترک کرد. کتاب مقدس به من اعتماد و ایمان لازم برای غلبه بر آن روح را بخشید. پولس به اهالی قرن‌تس گفته بود که با افزایش ایمان آنها، خدا می‌تواند در میان حلقه‌های مختلف اجتماعی آنها که هر روز در حال گسترش بود، عمل نماید (دوم‌قرنتیان ۱۰:۱۵).

این دقیقاً همان چیزی بود که در کلیسای محلی ما اتفاق افتاد. ناگهان، بدون هیچ دلیل مشخصی، شروع به رشد کردیم و به افراد گمشده چنان بشارت رساندیم که هرگز، چنین کاری نکرده بودیم. ما بر این باور هستیم که رشد، نتیجه‌ی مستقیم این حقیقت بود که دشمن شکست خورده بود. ما خود نرفتیم به دنبال شیریر بگردیم؛ عیسی نیز هرگز به شکار شیطان نرفت! او در راه کمک به مردم با ارواح شیریری روبرو شد که می‌خواستند افرادی را که خدا دوست‌شان دارد، بدزدند و از بین ببرند. او در چارچوب کمک به مردم با آنها برخورد کرد.

یک میسیونر معروف در قرن گذشته به فیلیپین نقل مکان کرده بود و خدمت او چندان ثمری نداد. یک روز او ضجه‌هایی را از رادیو زندان مانیل، شنید. دختر جوانی که در زندان بود، دیوزده بود و به گونه‌ای رفتار می‌کرد که پلیس و مقامات شهری را به وحشت انداخته بود. فریادهای شیطانی او حتی از رادیو پخش شد. ترس غالب شده بود و هیچ‌کس نمی‌دانست چه باید بکند. این میسیونر به زندان رفت و پس از روزه و دعا روح را بیرون کرد. روح شیریر از آن دختر اخراج شد و او به وضوح آزاد شد. در نتیجه، به میسیونر دسترسی به استادیوم بزرگی داده شد که در آن جلسات برگزار کرد و در نتیجه کلیسای بزرگی را تأسیس کرد. آن کلیسا هنوز در مانیل فعال است و بعد از چندین دهه هنوز هم هزاران نفر در جلسات آن شرکت می‌کنند. او نرفت به دنبال شیریر بگردد، اما روبرو شدن با دیوها باعث شد تا کلیسا به شدت گسترش یابد.

هر چه بیشتر به سمت قلمرو دشمن حرکت کنید، او برای مقاومت در برابر شما فعال تر می‌گردد. نترسید! با قدرت به پیش بروید و کارهای دشمن را نابود کنید. اگر من و شما با ایمان به پیش برویم، خداوند او را در هم خواهد شکست.

فصل نهم حصاد خود را شناسایی نمایید

عیسی آگاهانه کلیسا را برای درو کردن حصاد به چهار منطقه‌ی خاص فرستاد. در اعمال رسولان ۸:۱ عیسی این چهار منطقه را این‌گونه مشخص می‌کند: «لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.»
وظیفه‌ی هر رهبر کلیسایی این است که چهار منطقه‌ی خاصی را که عیسی به ما حکم فرموده، شناسایی کند.

اورشلیم

اورشلیم کلیسای محلی‌ای بود که همه چیز از آنجا شروع شد. عیسی در اورشلیم مصلوب شد و برخاست. روح القدس بر کلیسای اورشلیم ریخته شد. اورشلیم شما، کلیسای محلی شماست. این اجتماع محلی و محله‌ی شماست. این اولین اولویت شما به عنوان شبان کلیسای محلی است. چنین گفته شده است: "نوری که از به دوردست‌ها می‌تابد، در خانه نورانی‌تر می‌تابد." اولین منطقه‌ی حصاد شما، اورشلیم شماست. وقتی که به مردم در اورشلیم خود بشارت می‌دهید، آنها این پتانسیل را دارند که بخشی از کلیسای شما بگردند. این اصل برای هر کلیسای محلی بر زمین صرف‌نظر از وسعت یا مکان، صادق است. اگر می‌خواهید حصاد بزرگتری داشته باشید، به خداوند برای داشتن حصاد بزرگتر در اورشلیم خود ایمان داشته باشید. با انجام این کار، پایگاه بزرگتری برای تأثیرگذاری بر سایر مناطق حصاد در سراسر جهان خواهید داشت.

بسیار مهم است که از نقش اورشلیم خود در بشارت محلی آگاه باشید. این جایی است که مأموریت بشارت آغاز می‌شود، و این مرحله‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و انجام نداد. با ناآگاهی، کسانی که دلشان برای دنیا می‌تپد، چنین فکر می‌کنند که این گام اول تمام شده و این قدمی غیرضروری است! در آمریکا انجیل فراوان است! این نه تنها نادرست است، بلکه در واقع مانع از انتشار پیغام در سراسر جهان می‌شود. همه چیز از اینجا شروع می‌شود! کلیسای محلی، چه بزرگ و چه کوچک، برای عیسای مسیح بسیار مهم است. این چیزی است که او بر زمین می‌سازد. متی ۱۸:۱۶ دیدگاه عیسی را در مورد این موضوع روایت می‌کند:

«و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت.» (متی ۱۸:۱۶)

یهودیه

یهودیه از بخش جنوبی اسرائیل از جمله شهر اورشلیم تشکیل شده بود. این یک منطقه‌ی محلی و همچنین یک شهر مجزا بود. یهودیان در جنوب اسرائیل با جلیلی‌های شمال، بسیار متفاوت بودند. جلیلی‌ها پسرعموی یهودیان بودند و لهجه‌ای خاص داشتند و تصور می‌شد که آنها افرادی روستایی هستند. آنها کشاورز بودند، و احتمالاً روستانشینان اسرائیلی و یهودی بودند.

یهودیت شما همان فرهنگ شماست، اما احتمالاً در یک منطقه‌ی بزرگتر. این ممکن است منطقه، ایالت یا حتی کشور شما باشد. این گروه بسیار شبیه شما هستند، اما به احتمال زیاد به اندازه کافی نزدیک شما نیستند که بخشی از اورشلیم شما باشند.

ما با دعا تصمیم گرفته‌ایم که نقش ما در شبکه‌ی کلیسایی، در حال حاضر یهودیه ما باشد. این برای تشویق و الهام‌بخشی به کلیساها در شهرهای کوچک

در آمریکا ایجاد شد. اکثر مسیحیان در آمریکا در این کلیساهای کوچکتر، اغلب به فراموشی سپرده می‌شوند. شبانان آنان اغلب خود را نسبت به کلیساهای بزرگ پایین‌تر احساس می‌کنند. خدا این چنین به این موضوع نگاه نمی‌کند. بنابراین ما می‌خواهیم بخشی از تشویق‌کنندگان آنان باشیم تا به آنها کمک کنیم به بشارت و شکوفا شدن، ادامه دهند.

یهودیه‌ی شما می‌تواند یک جنبش منطقه‌ای تأسیس کلیسا یا سازمانی شبیه به شبکه کلیسایی خاص باشد. فرقه یا شبکه کلیسایی شما ممکن است برای شما این یهودیه باشد. آن را پیدا کنید، تأیید کنید و آن را حمایت کنید.

سامره

سامریان زمان عیسی چه کسانی بودند؟ پاسخ را می‌توان در متن زیر یافت:

"سامریان سرزمینی را که قبلاً از قبیله‌ی افرایم و نصف قبیله منسی بود، اشغال کردند. پایتخت کشور، سامره بود که در گذشته شهری بزرگ و باشکوه بود. هنگامی که ده قبیله به اسارت آشور برده شدند، پادشاه آشور مردمی را از کوتا، آوا، حمات و سپاروایم فرستاد تا در سامره ساکن شوند." (دوم‌پادشاهان ۱۷:۲۴؛ عزرا ۴: ۲-۱۱).

این خارجی‌ها با یهودیانی که هنوز در سامره و اطراف آن بودند، ازدواج کردند. این «سامری‌ها» در ابتدا بت‌های ملت‌های خود را می‌پرستیدند، اما با مشکلی که آشوری‌ها برای آنها ایجاد کردند، گمان بردند که یهوه خدای اسرائیلیان را گرامی نداشته‌اند. بنابراین یک رابی یهودی از آشور نزد آنها فرستاده شد تا دین یهود را به آنها آموزش دهد. آنها از کتب موسی آموزش دیدند، اما همچنان بسیاری از آداب بت‌پرستی خود را حفظ کردند. سامریان دینی را پذیرفتند که مخلوطی از یهودیت و بت‌پرستی بود (دوم‌پادشاهان ۱۷:۲۷-۲۶). از آنجا که ساکنان اسرائیلی سامره با بیگانگان ازدواج کرده بودند و مذهب بت‌پرستی آنها را پذیرفته بودند،

سامریان عموماً «نژادی دوگانه» در نظر گرفته می‌شدند و عموماً مورد تحقیر یهودیان بودند.

سامره‌ی شما، فرهنگ‌های متفاوت هستند، چه در نزدیکی و چه در آن سوی دریاها. آنها شاید یک جامعه‌ی مهاجر در محله شما باشند.

به همین سادگی، آنها حتی می‌توانند از نظر جغرافیایی در اروپا یا آمریکای جنوبی ساکن باشند. اکثر کلیساهای محلی به دلیل رابطه با شخصی که هم اینک در آن زمینه کار می‌کند، منابع مالی مأموریت‌های بشارت خارجی را برای این مناطق اختصاص دهند.

برای کلیسای ما این در درجه‌ی اول هائیتی و اروپا محسوب می‌شود. من سال‌ها به عنوان کمک شبان در گلاسکوی اسکاتلند خدمت کردم و سفرهای زیادی به اروپای شرقی و غربی داشته‌ام. ما دوست داریم شاهد اصلاحات دیگری در آنجا باشیم و با حمایت مداوم از مبشرانی که در اروپا و هائیتی فعال هستند، در جهت تحقق هدف خدمت به سامره‌ی خود تلاش کنیم.

بیگانه‌هراسی (ترس از فرهنگ‌های بیگانه)، می‌تواند ما را از بشارت به کسانی که ممکن است در مسائل سیاسی و فرهنگی با آنها اختلاف نظر داشته باشیم، باز بدارد. مانند یونس که به نینوا فرستاده شد، ما باید یاد بگیریم که مردم همه‌ی فرهنگ‌ها را دوست داشته باشیم، حتی اگر آن فرهنگ با فرهنگ ما متفاوت باشد. مسیحیان و کلیساهای مسیحی باید این نگرش و رفتار را نسبت به جهان اطراف ما داشته باشند و در این زمینه نمونه و الگو باشند. عیسی گفت ما برای افراد در فرهنگ خود نور و نمک باشیم. نژادپرستی و نفرت در فرهنگ ما و به ویژه در کلیساهای ما، جایی ندارد. مارتین لوتر کینگ جونیور گفت: "من تصمیم گرفته‌ام به عشق بچسبم. نفرت بار بزرگی است که نمی‌توان آن را تحمل کرد."

همانطور که شما به اورشلیم و یهودیه خود فراخوانده شده‌اید، به سامره خود نیز فراخوانده شده‌اید. آنها ممکن است هم اینک به انجیل به زبان خود دسترسی

داشته باشند، و خادمان مسیحی ممکن است هم اینک در میان آنها باشند، اما هنوز یک چهارم هدفی هستند که عیسی برای ما مشخص نمود.

اقصای جهان

اقصای جهان کسانی هستند که هرگز مژده‌ی انجیل را نشنیده‌اند. در حال حاضر این شامل سه میلیارد از هفت میلیارد انسان بر روی کره خاکی هستند. بر اساس پروژه جاشوا:

"بنابراین، چه تعداد از حدود ۱۶،۳۰۰ گروه مردمی، جزء آن گروه‌هایی در نظر گرفته می‌شوند که مژده‌ی نجات به آنها نرسیده است. گروه‌هایی که کمتر از دو درصد از جماعت آنها، پیرو مسیح و کمتر از پنج درصد، مسیحی رسمی خوانده می‌شوند. آخرین برآوردها حاکی از آن است که تقریباً ۶،۵۵۰ گروه‌های مردمی جزء گروه‌هایی قرار می‌گیرند که به آنها مژده‌ی نجات، نرسیده است. این بدان معناست که بیش از ۴۰ درصد از گروه‌های مردمی جهان، هیچ اجتماع مسیحیان محلی ندارند که بتوانند بقیه گروه‌های مردمی خود را بشارت دهند. بیش از ۴۲ درصد از جمعیت جهان، در این گروه‌های زندگی می‌کنند."

وقتی به مأموریت بزرگ فکر می‌کنیم، به مرزهای جغرافیایی و سیاسی فکر می‌کنیم. در کتاب مقدس از اصطلاح دیگری استفاده می‌شود، زیرا مرز ملت‌ها همیشه در حال تغییر هستند. به تغییرات مرزهای اروپا در قرن گذشته نگاه کنید. دسته پیش‌فرض برای تمرکز بر گروه‌های افراد است.

«و برکت دهم به آنانی که تو را مبارک خوانند، و لعنت کنم به آنکه تو را ملعون خوانند. و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند یافت.» (پیدایش ۱۲:۳).

واژه‌ی خانواده در زبان عبری در لغت به معنای؛ یک خانواده، یک حلقه از خویشاوندان، یک طبقه از افراد، یک گونه، یک قبیله یا یک قوم. «و به این بشارت

ملکوت در تمام عالم موعظه خواهد شد تا بر جمیع امتها شهادتی شود؛ آنگاه انتها خواهد رسید.» (متی ۲۴: ۱۴).

کلمه‌ی یونانی برای ملت‌ها ethne است. این واژه در لغت به معنای انبوه، مردم، نژاد، تعلق داشتن و زندگی با یکدیگر است. ما واژه‌ی خود را برای گروه‌های قومی از ریشه‌ی این کلمه دریافت می‌کنیم. مجدداً در متی باب ۲۸ در آنچه به عنوان مأموریت بزرگ شناخته می‌شود، نیز استفاده می‌شود:

«پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است.» (متی ۲۸: ۱۸-۲۰).

از کتاب مقدس مشخص است که بشارت به گروه‌های مردمی‌ای که بشارت به آنها نرسیده است، خط پایان کلیسا است.

«و سرودی جدید می‌سرایند و می‌گویند: «مستحق گرفتن کتاب و گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خریدی.» (مکاشفه ۵: ۹).

این منطقه‌ی هدف است که اغلب توسط کلیساهای نادیده گرفته می‌شود. سال‌ها پیش، این منطقه‌ای بود که من هم از آن غافل بودم. به عنوان یک کلیسای محلی، ما احساس نمی‌کردیم که این بخشی از خواندگی ما باشد. شما ممکن است همین احساس را داشته باشید. چه کسی را می‌شناسید که در این مناطق که بشارت و مؤده‌ی نجات نرسیده است، فعالیت می‌کند، و اگر کسی را می‌شناسید که نگران آنها است، چه می‌توانید برای آنها انجام دهید؟

دکتر هوارد فولتزر، استاد واحد خدمات میسیونری من، در دانشگاه ریجنت بود. من چندین کلاس مورد نیاز در مورد مأموریت بزرگ را با او داشتم و او به همراه دیگران دیدگاه مرا برای بشارت به مکان‌هایی که بشارت به آنجا نرسیده است، تغییر داد. او و دیگران به ما کمک کردند تا در اقصای جهان به صورت استراتژیک مشغول فعالیت و خدمت شویم. از زمان نگارش این کتاب، کلیسای محلی ما به

طور فعالانه مشغول حمایت مالی و کمک به آموزش رهبران و تأسیس کلیسا در بیش از ۸۰۰ نقطه از مناطقی بوده، که بشارت انجیل به آنها نرسیده است. این مناطق عمدتاً در پنجره ده در چهل قرار دارد. مشارکت در این خدمت مستلزم تعیین هدف، یک استراتژی و تعیین روشی برای مشارکت است. آنقدرها هم که فکر می‌کردم کار سختی نبود.

بعداً در این کتاب، به چگونگی تبدیل شدن شما به این منطقه‌ی هدف، بیشتر خواهیم پرداخت. فعلاً چشمان خود را باز کنید و حصاد را در میان افرادی که بشارت به آنها نرسیده است، ببینید. این امکان وجود دارد که کلیسای محلی شما در میان افرادی که بشارت به آنها نرسیده است، مؤثرتر عمل نماید؛ حتی ممکن است این در مورد محله‌ی شما نیز صدق کند. این یک امتیاز از جانب خداوند است که بخشی از کل حصاد در اورشلیم، یهودیه، سامره، و انتهای زمین باشیم.

برای کلیساهای اولیه، رُم نمایانگر انتهای جهان بود. آنها در رساندن مژده‌ی نجات، حتی به خانواده سزار هم موفق بودند. آنها بسیار موفق عمل کردند. در روزگار ما چقدر بیشتر می‌توانیم با اینترنت، هواپیماهای پر سرعت، تلفن‌های همراه و ماهواره‌ها، به دورترین نقاط زمین بشارت را برسانیم. وقتی این کار را انجام دهیم، روز بازگشت عیسی به زمین را تسریع خواهیم کرد.

«و آمدن روز خدارا انتظار بکشید و آن را بشتابانید که در آن آسمان‌ها سوخته شده، از هم متفرق خواهند شد و عناصر از حرارت گداخته

خواهد گردید.» (دوم پطرس ۳: ۱۲).

فصل دهم

مشارکت در دنیای شما

اکنون که هر چهار منطقه شناسایی شد، و مشخص است که ما به نوعی برای خدمت در هر چهار منطقه به طور همزمان فراخوانده شده‌ایم، چگونه می‌توانیم در این امر مشارکت داشته باشیم؟ چگونه می‌توانیم از منابع زمان، پول، استعداد و توجهی خود به‌طور استراتژیک برای مشارکت مؤثر هر چهار منطقه، استفاده کنیم؟ پس از شناسایی حصاد خود در پرتوی اعمال رسولان ۸:۱، گام بعدی این است که در حصاد، مشغول شوید. در این زمینه به کمکی نیاز دارید تا هدفی استراتژیک را تبیین کنید. همه‌ی فعالیت‌های مأموریتی، هوشمندانه هستند، اما برخی از فعالیت‌ها تأثیر بیشتری دارند. به عبارت دیگر، همیشه فعالیت صرف، پاسخ‌گو نیست. داشتن مشارکتی هوشمندانه و هدفمند در این کار مهم است.

پس از شناسایی هدف، شناسایی موانع نیز مهم هستند. ما در فصل گذشته در مورد این موضوعات صحبت کردیم. برخی از موانع عبارتند از:

- ✓ پیغام برای بی‌ایمانان توهین‌آمیز است.
- ✓ فرهنگ‌های مختلف، حتی در داخل یک ملت واحد، ممکن است مانع از برقراری ارتباط واقعی شوند.
- ✓ موانع جغرافیایی و زبانی ممکن است انتشار پیغام را محدود کنند.
- ✓ ممکن است تفسیری نامشخص یا نادرست از کتاب مقدس و هدف خدا داشته باشیم.
- ✓ ما باید با مانع بسیار حقیقی به نام نبرد روحانی روبرو شویم.

باید بر لعنت و نفرین بابل غلبه کرد. گفته می‌شود که یک بومی به یک مبشر گفته است: "اگر خدا من را خیلی دوست دارد، چرا به زبان من صحبت نمی‌کند؟" بسیار مهم است که در مورد موانعی که در هر منطقه‌ی هدف با آن مواجه می‌شوید، کاملاً مشخص عمل کنید و ایمان داشته باشید که خداوند راهی برای شکستن هر یک از آنها دارد. این استراتژی ما است که به عنوان یک کلیسا، هنگام مشارکت در خدمت جهانی، از آن استفاده می‌کنیم.

برای دنیا دعا کنید. به صورت فردی، به صورت جمعی و در جلسات متمرکز و خاص دعا کنید. این مهمترین بخش است. جستجوی خدا و هدایت او، کلید هر مانع دیگری است. بستن مرد زورآور در دعا و ایمان، درهای خدمت را باز می‌کند. مأموریت‌های بشارتی کتاب مقدس و دیدگاه خدا نسبت به مردم را بیاموزید و آموزش دهید. نگرشی وسیع نسبت به جهان، همانطور که کتاب مقدس تعلیم می‌دهد. مدتی طول می‌کشد تا یک کلیسا دیدی جهانی به دست آورد. این یک شبه ایجاد نخواهد شد، بلکه نتیجه‌ی آموزش هدفمند و آگاهانه است.

کلیسا را در شرایطی قرار دهید که بتوانند مردم فرهنگ‌های دیگر را ببینند. وقتی مردم ببینند که فرهنگ‌های دیگر فقط افرادی هستند که ظاهری متفاوت دارند و متفاوت فکر می‌کنند، عشق و احترام نسبت به آنها، در قلب اعضای کلیسا شعله‌ور می‌گردد. قرمز و زرد، سیاه و سفید، همه در نظر خداوند ارزشمند هستند.

هر چهار حیطة را در امور مالی خود، هدف قرار دهید. ما به عنوان یک کلیسا باید ده یک خود را برای مأموریت بزرگ در حیطة‌های مختلف، اختصاص دهیم. بنابراین منطقی است که آن ده یک را به چهار قسمت تقسیم کنیم که هر قسمت برای منطقه‌ای متفاوت اختصاص یابد. ما حداقل ۲۵ درصد از ده یک خود را به اورشلیم خود می‌دهیم و همان میزان را به یهودیه، سامره و اقصی نقاط جهان خود می‌دهیم.

افرادی را در قوم یا گروه خود که به مناطقی بشارت می‌دهند که شما از آنها غافل هستید، شناسایی کنید. ما افرادی را در جماعت خود نداشتیم که تا اقصی نقاط زمین حرکت کنند. بنابراین شروع به همکاری با کسانی کردیم که در این حیطة مشغول خدمت بودند. خداوند برخی از ارتباطات الهی مانند سازمان خدماتی AIMS و دیگر سازمان‌ها را برای ما مهیا نمود.

بدهید، بروید و بفرستید همان طور که در رومیان می‌گوید:
 «پس چگونه بخوانند کسی را که به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را نشنیده‌اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟ و چگونه وعظ کنند جز اینکه فرستاده شوند؟ چنانکه مکتوب است که «چه زیبا است پای‌های آنانی که به سلامتی بشارت می‌دهند و به چیزهای نیکو مژده می‌دهند.» (رومیان ۱۰: ۱۴-۱۵).

به تمام کاربردهای عملی در آن قسمت از کتاب مقدس توجه کنید: فرا بخوانید، نجات دهید، باور کنید، بشنوید، بگویید (موعظه کنید)، و بفرستید. مهم این است که شروع کنید.

فرآیند را آغاز کنید و باور کنید که خداوند گام‌های شما را در برنامه‌ی خود و برای شما و کلیسای تان هدایت خواهد کرد.

بسیار مهم است که مشارکت در اعلام بشارت به جهان را به عنوان یک فرآیند ببینیم. منطقی نیست که همه چیز را به یکباره تغییر دهید یا اضافه کنید. با اورشلیم شروع کنید. آیا اکنون به نزدیک‌ترین افراد به خود بشارت می‌دهید؟ اگر در حال حاضر این کار را انجام نمی‌دهید، یک سفر با هواپیما به خارج از کشور برای تبدیل کردن شما به فردی مؤثر کافی نیست؟

همانطور که محل فعلی خود را بررسی می‌کنید، ممکن است قبلاً بخشی از آن را انجام داده باشید، اگرچه ممکن است آن را به درستی شناسایی نکرده باشید، اما اکنون زمان برداشتن گام‌هایی در جهت مشارکت کامل است. افزودن مناطقی

که نادیده گرفته شده‌اند، یک فرآیند است و ایجاد تغییرات لازم ممکن است یک یا دو سال طول بکشد.

در مورد ما، منطقه‌ای که کاملاً نادیده گرفته شده بود، بشارت به اقصی نقاط جهان بود. ما شخصاً برای سال‌ها این دعوت را به طور شخصی مشاهده نکردیم و حتی پس از آن هم که این دعوت را احساس کردیم، نمی‌دانستیم چگونه باید شروع کنیم. خدا ما را با کسانی که قبلاً این کار را به خوبی انجام می‌دادند، وارد مشارکت و همکاری کرد و به مرور زمان تمرکزمان بیشتر شد. مهم این است که وارد این جریان شوید تا خدا شما را هدایت کند. همانطور که شخصی می‌گوید: "هدایت یک ماشین پارک شده، سخت است!" شگفت‌انگیز است که چگونه روح-القدس جذب حرکت می‌شود. با ایمان شروع کنید و او شما را رهبری خواهد کرد. ارتباطات الهی زمانی نمایان می‌شوند که ما به روی آنها باز شویم. احتمالاً در حال حاضر فرصت‌های بسیار خوبی در نزدیکی شما وجود دارند. آینده برای کسانی که از خدا در منطقه‌ای که قلب او در آن است، پیروی می‌کنند، هیجان‌انگیز است. این منطقه، مردم هستند.

راه‌های مؤثر بسیاری برای مشارکت در هر یک از چهار حوزه‌ی دسترسی وجود دارد. بعضی راه‌ها پاسخ داد و بعضی از راه‌ها نداد، اما هرگز دست از تلاش برنداشتیم. هر منطقه روش‌های منحصر به فرد خود را برای بشارت دارد.

اورشلیم: ما عمدتاً از بشارت رابطه‌ای استفاده می‌کنیم که در آن مسیحیان با شخصی دور از خدا دوست می‌شوند و با آنها رابطه برقرار می‌کنند. یک نفر می‌گوید: "شما عمدتاً دشمنان خود را به سوی خداوند جلب نمی‌کنید، فقط دوستان خود را!" در زمان مناسب، ممکن است فرصتی مناسب برای در میان گذاشتن داستان خود و داستان عیسی داشته باشید. شما فقط می‌توانید آنها را دعوت کنید تا با شما در کلیسا یا یک مناسبت، همراه شوند.

یهودا: این می‌تواند مسیرهای مختلفی را در بر بگیرد. ما از یک کمپ دیگر در پانزده مایلی خودمان شروع کردیم. ما همچنین با شبکه کلیسایی مهم دیگری در ارتباط هستیم، که در آن با کشیش‌ها در شهرهای کوچک و شهرستان‌های کوچک آمریکا تماس می‌گیریم تا آنها را تشویق کنیم. ممکن است کلیساها یا کمپ‌هایی را تأسیس کنید، یا از دیگرانی که در منطقه‌ی شما بشارت می‌دهند، حمایت کنید.

سامره: در بسیاری از موارد سامره‌ی شما از نظر جغرافیایی از شما دور است. بشارت در این زمینه می‌تواند دعا، حمایت از مبشران، سفرهای مأموریتی کوتاه‌مدت از کلیسای شما به این مناطق و راه‌های دیگری باشد. من تمایل دارم به این منطقه به عنوان یک فرهنگ یا ملت بیگانه فکر کنم. معمولاً پیغام عیسی به برخی رسیده است. اروپا برای ما مناسب است. به جای اینکه اکنون فکر کنیم که پیغام بشارت به اروپا رسیده، اکنون آن منطقه به عنوان منطقه‌ای که پیش‌تر پیغام به آنها رسیده است، در نظر گرفته می‌شود.

اقصای جهان: معمولاً این ناحیه‌ای است که اجازه می‌دهیم از دست ما خارج شود. من شما را تشویق می‌کنم تا شروع کنید. دعا کنید و از خدا بخواهید که شما را برای همراهی و همکاری با افرادی که در این منطقه کار می‌کنند، آشنا کند. فرقه یا گروه خود را بررسی کنید و ببینید چه کسی اکنون مشغول بشارت به افرادی است که بشارت نجات به آنها نرسیده است. وقتی با کسی در این زمینه همکاری می‌کنید، از منابع مالی خود آنها را حمایت کنید، و آنها را تشویق نمایید. کلیسای شما یا گروهی از کلیساهای همدید با شما، ممکن است بخواهند یک گروه مردمی که بشارت به آنها نرسیده است را برای حمایت انتخاب کنند. ما می‌توانیم به شما در انجام این کار از طریق سازمان خدماتی AIMS کمک کنیم.

ما در این مسیر اشتباهاتی داشتیم و این روند بیش از آنچه انتظار داشتیم، طول کشید. ارزش آن بهایی که ما برای دستیابی به مردم می‌پردازیم، زمانی روشن

از اورشلیم تا رُم/ ۷۱

می‌شود که افراد بسیاری را از هر قوم و زبان در آسمان ببینیم. آنها آنجا خواهند بود زیرا ما نشان دادیم که تمایل داریم خدا را اطاعت کنیم.

فصل یازدهم

کسب قدرت الهی برای انجام مأموریت

شما به تنهایی نمی‌توانید این کار را انجام دهید. خدا هم هرگز چنین قصدی نداشته است. اعمال رسولان ۸:۱ در مورد قصد خدا برای تقویت قوم خود، از طریق امداد آسمانی، بسیار واضح توضیح می‌دهد. تصور کنید زمانی که عیسی انتظارات خود را به شاگردان گفت، شما یکی از آن یازده شاگرد می‌بودید. آنها قرار بود پیغام او را به تمام دنیا برسانند تا همه بتوانند آن را بشنوند. آیا فکر می‌کنید آنها حیران و شگفت‌زده شده بودند؟ من که مطمئناً وضعیت من این‌گونه می‌بود اگر در آن جمع حضور داشتم! من هنوز هم وقتی وعده‌ی او را در اعمال رسولان ۸:۱ به خاطر می‌آورم، در چنین وضعیتی قرار می‌گیرم:

«اما چون روح‌القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان.»

هر چقدر از جایگاه قوت در مأموریت بزرگ بگوئیم، باز هم کم گفته‌ایم. پیام عیسی مسیح با رویارویی قوت‌ها همراه بود. او مرتباً دیوها را بیرون می‌کرد و بیماران را شفا می‌بخشید.

کلیسای اولیه با ظهور شفاه و معجزات، این قوت را به کار می‌گرفت. هرگز عصری محدود برای معجزه وجود نداشته است، بلکه خدای معجزات وجود دارد.

او پیغام خود را با نشانه‌ها، شگفتی‌ها و معجزات تأیید می‌کرد و می‌کند.

طبق نوشته‌ی پولس رسول به اهالی قرنتس، حکمت انسان، قوت صلیب را از بین می‌برد (اول قرنتیان ۱: ۱۷ - ۵: ۲). ما می‌بینیم که پولس و بقیه‌ی کلیسای اولیه، به طور منظم در حال تمرین و راه رفتن در قدرت روح خدا بودند.

اغلب این‌گونه بحث می‌شود که چرا در فرهنگ‌های دیگر، بیشتر از کلیسای غرب، ما شاهد ظهور معجزات هستیم. پاسخ کتاب مقدس درباره‌ی این پرسش این است که قوت روح القدس در پیغام نجات آنها وجود دارد. بشارت به همراه قوت، پیغامی است که می‌توان آن را دید و شنید.

«زیرا به خود اجازه نمی‌دهم از چیزی سخن بگویم، جز آنچه مسیح برای اطاعت غیریهودیان از طریق من به انجام رسانیده است، چه به وسیلهٔ سخنان و چه از طریق کارهایم. او این را به نیروی آیات و معجزات، یعنی به نیروی روح خدا انجام داده است، آن‌گونه که از اورشلیم تا ایلیریوم دور زده، به انجیل مسیح به کمال، بشارت دادم. آرزویم همواره این بوده است که در جایی بشارت دهم که مسیح شناخته نشده، تا بر بنیادی که دیگری نهاده است، بنا نگذاشته باشم.» (رومیان ۱۵: ۱۸-۲۰).

پولس برای ما روشن می‌کند که انجیل تنها زمانی به طور کامل می‌تواند ارایه شود، که بتوان آن را دید و شنید. غالباً کلیسای غرب سعی کرده است انجیل را با منطق ارایه دهد، با این حال خرد انسان قوت صلیب را از بین می‌برد. عیسی و کلیسای اولیه به بیهودگی انجیلی که تنها از لحاظ فکری ارایه شود، آگاه بودند. آذربورن در قرن بیستم، مبشری بسیار مؤثر در سراسر جهان محسوب می‌شد. در جوانی او و همسرش دیزی، به هند سفر کردند تا پیغام نجات را به افرادی که گم شده بودند، برسانند. او کتاب مقدس خود را در کنار قرآن قرار داد و سعی کرد یک فرد مسلمان را متقاعد کند که عیسی مسیح، منجی حقیقی است. این کار او جواب نداد. او سپس به خانه بازگشت و در آن‌جا ملاقات قدرتمندی با خداوند قیام کرده داشت. آنها بعداً به هند و بسیاری از نقاط دیگر بازگشتند و انجیلی بسیار ساده همراه با معجزات و شفا را موعظه کردند. این بار کار آنها نتیجه داد.

او و دیزی به میلیون‌ها نفر در سراسر جهان بشارت دادند و آنها الهام‌بخش نسلی جدید از ایمانداران هستند که باور داشتند خداوند قادر است قوت خود را به همراه اعلام پیغام نجات، جاری سازد.

مارک نول ارزیابی شگفت‌انگیزی از تأثیرات قدرت، در مأموریت بشارت جهانی

ارایه می‌دهد:

"قطعاً یکی از مهمترین تحولات در تاریخ اخیر مسیحیت، ظهور پنطیکاست به عنوان یک نیروی پویا در سراسر جهان است. در سال ۱۹۰۰، حداکثر تعداد انگشت شماری از مسیحیان وجود داشتند که عطایای ویژه‌ی روح‌القدس، مشابهی آنچه در عهدجدید ثبت شده را تجربه کردند. تا سال ۲۰۱۰، حدود ۶۰۰ میلیون نفر (یا بیش از یک چهارم جمعیت مسیحیان در سراسر جهان) می‌توانند پنطیکاستی یا کاریزماتیک خوانده شوند. جریان‌های پنطیکاستی و کاریزماتیک در گسترش سریع مسیحیت در خارج از غرب، با اکثر کلیساهای به سرعت در حال رشد در برزیل، نیجریه، کره، روسیه، چین و بسیاری از کشورهای دیگر، نقشی اساسی داشتند. در این شرایط، اشکال پنطیکاستی و کاریزماتیک ایمان مسیحی با رویارویی مستقیم با خدایان بت‌پرستان و ارواح جادوگران و نیز با انتقال بی‌واسطه‌ی حضور خدا، شکوفا می‌شود. اگر روندهای اخیر با ادامه گسترش قوت از طریق مسیحیان پنطیکاستی و کاریزماتیک، به ویژه در اکثر نقاط جهان، ادامه یابد، رویدادهایی که در حدود سال‌های ۱۹۰۰ اتفاق افتاد، تکرار خواهد شد. در چنین وضعیتی مسیحیان شاهد جنبش‌هایی خواهند بود که مشخصه‌ی بارز آن کار خاص روح‌القدس خواهد بود. این رویداد را می‌توان به عنوان عاملی تعیین‌کننده در نقاط عطف تاریخ مسیحیت معاصر خواند."

یکی دیگر از جنبه‌های مهم دریافت قوت خداوند برای مأموریت‌ها، این است که باور کنید هر کجا که زندگی می‌کنید، شخصاً قوت یافته هستید. یکی از باورهای نادرست و تأسف بار در مأموریت بشارت جهانی این است که فکر کنیم این وظیفه

از اورشلیم تا رُم/ ۷۵

کلیسای غرب است که بشارت را به ملت‌ها برساند. عیسی به وضوح می‌گوید:
"شما قوت خواهید یافت!" این در مورد همه‌ی مسیحیان، در هر نقطه از جهان
صدق می‌کند.

اگر در یک کشور در حال توسعه زندگی می‌کنید، او منابع و فرصت‌هایی را در
اختیار کلیسای شما قرار می‌دهد تا به کشورهای فراتر از آن دسترسی داشته باشید.
کلیسا در هر ملتی دارای اهمیت خاصی است و قوت یافته تا شهادی برای کل
جهان باشد.

کلید داشتن قوتی که عیسی وعده داده است، این است که آن را پویا نگاه
داریم. حرکت پیغام و قوت با هم پیش می‌روند. با تمرکز بر هدف خدا یعنی کل
جهان، منتظر امداد الهی باشید.

فصل دوازدهم چشم دوختن به آسمان را، متوقف کنید

«پس چون گرد هم آمده بودند، از او پرسیدند: «خداوندا، آیا در این زمان است که پادشاهی را به اسرائیل باز خواهی گردانید؟ عیسی پاسخ داد: «بر شما نیست که ایام و زمانهایی را که پدر در اختیار خود نگاه داشته است بدانید؛ اما چون روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا دورترین نقاط جهان. عیسی پس از گفتن این سخنان، در حالی که ایشان می‌نگریستند، به بالا برده شد و ابری او را از مقابل چشمان ایشان برگرفت. هنگامی که می‌رفت و شاگردان به آسمان چشم دوخته بودند، ناگاه دو مرد سفیدپوش در کنارشان ایستادند و گفتند: «ای مردان جلیلی، چرا ایستاده به آسمان چشم دوخته‌اید؟ همین عیسی که از میان شما به آسمان برده شد، باز خواهد آمد، به همین گونه که دیدید به آسمان رفت.» (اعمال رسولان ۱: ۶-۱۱).

فرشتگان پرسیدند که چرا شاگردان همانجا ایستاده بودند و به آسمان چشم دوخته‌اند، در حالی که عیسی به آنها گفته بود که چه کاری انجام دهند و کجا آن را انجام دهند؟! شاید گاهاً واکنش ما نسبت به دستورات عیسی نیز این چنین باشد. پویایی و حرکت برای خداوند، جذاب است. کتاب اعمال رسولان داستان پویایی و حرکت است.

فرشتگان گفتند، حرکت کنید! مانند شاگردان، ما می‌توانیم آنقدر روی آنچه قرار است اتفاق بیافتد متمرکز باشیم، که فراموش کنیم الان قرار است چه کاری انجام دهیم. شخصی این سندرم را، سندروم فلجی تحلیلی، نامیده است. برنامه-ریزی بعد از دعا عالی است، اما این باید به عمل منجر شود.

فرشتگان برای شاگردان روشن کردند که عیسی به همان روشی که به آسمان صعود نمود، باز خواهد گشت. به جای تلاش برای فهمیدن اینکه دجال کیست یا آیا مشتری با مریخ همسو خواهند شد یا خیر؛ حرکت کنید! ممکن است این حرکت منجر به ایجاد جنبشی بگردد.

کتاب اعمال رسولان داستان کلیسای اولیه از آغاز آن در اورشلیم در روز پنطیکاست، تا اوج خدمت پولس در پایتخت امپراتوری، رُم است. از آن زمان، ما از نمونه‌ای که آن کلیسای متمرکز و مشتعل اولیه برای ما به جا گذاشته است، بهره می‌گیریم.

کتاب اعمال رسولان نه تنها یک داستان و تاریخ کلیسای اولیه است، بلکه تبیین یک استراتژی است که می‌توانیم در قرن بیست و یکم نیز آن را دنبال کنیم تا شاهد تکرار آن باشیم. آنها به طور مؤثر به رُم و امپراتور رسیدند. عیسی به آنها پیغامی ساده و قوتی بخشید که آنها را همراهی کند. با این استراتژی، آنها کسانی را که هنوز این پیغام را نشنیده بودند، هدف گرفتند. انسان و خدا با همکاری یکدیگر به دنیای گمشده بشارت دادند.

چالش ما این است که نه فقط ببینیم چه چیزی انجام شد، بلکه این است که بفهمیم چگونه انجام شد. با جستوی مجددانه‌ی روی خداوند و اجازه دادن به او برای معنا بخشیدن به تلاش‌های ما، می‌توانیم به همه‌ی ملت‌های نسل معاصر، پیغام نجات را برسانیم.

من گاهی احساس می‌کنم که آن شاگردان اولیه‌ی کلیسا، باید چه احساسی می‌داشتند؟ آنها احتمالاً دستپاچه و گیج بودند. اما آنها این چالش را پذیرفتند و ما هم باید با این چالش روبرو شویم. با خدا همه چیز ممکن است. تقدیر ما این است که به خدا بله بگوییم و جسورانه به دنیایی ورود کنیم که خدا را نمی‌شناسند و در برابر او مقاومت می‌کنند. عیسی گفت دروازه‌های جهنم نمی‌توانند در برابر کلیسایی که او بنا می‌کند، مقاومت کنند.

هدف این کتاب تشویق و الهام بخشی به کلیساها و کشیشان محلی در سراسر جهان است تا به فراتر از چهار دیوار خود و حتی جوامع خود، به مناطق فراتر نگاه کنند. خداوند فرمود اگر از او بخواهیم اقوام را میراث ما خواهد گردانید و اقصی نقاط زمین را به ما خواهد بخشید (مزمور ۸:۲).

سازمان خدماتی AIMS می تواند به شما در برداشتن گام بعدی در راستای حرکت به سوی بشارت به اقصی نقاط جهان، کمک کند. این سازمان، سمینارها و مطالبی را برای شروع این کار در اختیار شما قرار می دهد. می توانید برای کسب اطلاعات بیشتر به تارنمای^۳ آنها مراجعه کنید.

همچنین خود من شخصاً آماده هستم تا با رهبران کلیسای محلی در مورد چگونگی مشارکت بیشتر آنها در دستیابی به هر چهار حوزه ی اعمال رسولان ۱:۸، گفتگو کنم.

همانطور که عیسی وسعت دید شاگردان اولیه در اعمال رسولان باب اول را گسترش داد تا فراتر از ملت خود به تمام جهان بنگرند، ممکن است از او بخواهیم که به ما کمک کند تا بر کل جهان نیز تمرکز کنیم. از او بپرسید، او به شما نشان می دهد که در مرحله ی بعد چه کاری باید انجام دهید.

ضمیمه

ویژگی کلیساهایی که برای مأموریت بزرگ، تجهیز شده‌اند.

برگرفته از انتشارات AIMS (On the cutting edge) دستورالعمل استفاده از فهرست ویژگی‌های بیست‌گانه

این فهرست از تجربه‌ی AIMS در بسیج کلیساهای محلی برای تحقق مأموریت‌های جهانی در ۳۰ سال گذشته طراحی شده است. اگر این آزمون سریع بررسی مأموریت بشارت را انجام دهید، به شما کمک می‌کند تا وضعیت (فعالیت) فعلی کلیسای خود، در قسمت مأموریت بزرگ راه ارزیابی کنید. فرآیند بسیج شدن بسته به اندازه، شرایط مالی، سبک رهبری؛ در هر کلیسایی متفاوت خواهد بود. نشریه‌ی AIMS با عنوان On The Cutting Edge ابزاری مؤثر برای هر کلیسایی است، تا برای ارزیابی و برنامه‌ریزی، از آن بهره ببرند. ما شما و کلیسای‌تان را تشویق می‌کنیم تا شش معیار قابل اندازه‌گیری یک کلیسای بسیج شده برای مأموریت بزرگ را پذیرفته و به سمت تحقق آن حرکت کنید:

دعا، بخشیدن، خدمت، فرستادن، کمک، همکاری

در زیر چند دستورالعمل برای انجام لیست ارزیابی وجود دارد:

- (۱) هر عبارت را بخوانید و با مناسب‌ترین عدد پاسخ دهید. زیاد فکر نکنید، اولین عددی که به ذهن‌تان می‌رسد، احتمالاً بهترین عدد است.
- (۲) جمع کل را در قسمت پایین صفحه یادداشت کنید.

- ۳) نمره‌ی قبولی یا مردودی برای این ارزیابی وجود ندارد. تنها راهی که هر کلیسا می‌تواند شکست بخورد این است که وقتی خدا با آنها در مورد بسیج شدن بیشتر صحبت کند، از او اطاعت نکنند.
- ۴) بعداً، می‌توانید از مشایخ، شماسان یا کمیته‌ی مأموریت بشارت، بخواهید این ارزیابی را همزمان با شما انجام دهند. سپس، آنها می‌توانند نمرات خود را با هم مقایسه کنند و آن را به بحث بگذارند.
- ۵) صفات بیست‌گانه با اولویت خاصی مرتب نشده‌اند. در تفکر و بحثی پویا، آنها را بر اساس نیاز کلیسای خاص خود اولویت‌بندی کنید. مهمترین نکات را فهرست کنید که کلیسای شما باید در آنها پیشرفت کند. باشد که خداوند به شما برکت دهد، زیرا با دعا به کاربرد این بررسی برای گسترش مأموریت‌های کلیسای خود فکر می‌کنید.

بیست ویژگی کلیسایی که برای مأموریت بزرگ بسیج شده است

شاخص‌های کلیسایی که در راستای تحقق مأموریت بزرگ عمل می‌کند، در لیست زیر نوشته شده است:

**برای هر ویژگی زیر از عدد ۰ تا ۵ یکی را انتخاب کنید و علامت بزنید
(۰ = بدون فعالیت، ۵ = مشارکت کامل)، سپس امتیازات را جمع کنید.**

- _____ ۱. تعلیم در مورد مأموریت بشارت در جلسات تعلیمی، موعظه‌ها، خبرنگارانه مبشران، گروه‌های خانگی و غیره.
- _____ ۲. دعای شفاعتی منظم برای جهان گمشده، با تمرکز بر نقاطی که بشارت کلام را نشنیده‌اند.
- _____ ۳. تیم مأموریت بشارت یا گروه مشارکتی که حداقل ماهانه یک بار تشکیل جلسه می‌دهند.

_____ ۴. کلیسا به طور منظم میزبان کنفرانس‌های مربوط به مأموریت بزرگ است.

_____ ۵. جماعت به طور سیستماتیک برای مأموریت بزرگ، مشارکت مالی دارد.

_____ ۶. تمرکز بر پرستش و ستایشی که نمایانگر قلبی است که خداوند برای مأموریت بزرگ دارد و الهام‌بخش جماعت برای مشارکت در مأموریت‌ها است.

_____ ۷. مراقبت شبانی برای میسیونرها، با نامه، تماس تلفنی، هدایا، بازدید، ایمیل و غیره.

_____ ۸. کلیسا منشی یا شبان یا مدیرس برای تحقق مأموریت بزرگ دارد.

_____ ۹. برنامه، اهداف و خط مشی‌های تعریف شده برای برنامه‌ی مأموریت بزرگ.

_____ ۱۰. بشارت بین فرهنگی در محلی که کلیسا در آن قرار دارد.

_____ ۱۱. پروژه‌های مأموریت بشارت، مانند ساختن کلیسا یا خرید تجهیزات.

_____ ۱۲. شبانی که تفکری بشارتی دارد و خود به طور منظم به مکان‌هایی که مأموریت بزرگ در آنجا صورت می‌گیرد، سفر می‌کند.

_____ ۱۳. بشارت‌های کوتاه‌مدت برای اعضای جماعت و کارکنان.

_____ ۱۴. شناسایی و تجهیز داوطلبین برای بشارت از درون جماعت کلیسا.

_____ ۱۵. میسیونرهای شاغل یا چادرسازانی که فرستاده شده و توسط کلیسا حمایت می‌شوند.

_____ ۱۶. برای باز تولید و به اشتراک گذاشتن دیدگاه مأموریت بشارتی خود با کلیساهای دیگر، برنامه‌ریزی کنید.

_____ ۱۷. پذیرش (یا آماده شدن برای پذیرش) یک گروه مردمی که پیغام بشارت به آنها نرسیده است.

_____ ۱۸. دعوت از مبشران به صورت منظم.

_____ ۱۹. کل کلیسا مبشران را می‌شناسند، فقط شبانان و کارکنان کلیسا

آنها را نمی‌شناسند.

_____ ۲۰. رویای کلیسای محلی به عنوان پایگاه مأموریت بزرگ.

_____ **جمع کل**

درباره‌ی نویسنده

تری رابرتس، همراه با همسرش ربکا، بیش از سه دهه در کلیسای محلی،^۴ مشغول خدمت شبانی هستند. آنها در شرق ایالت میزوری زندگی می‌کنند و دو فرزند متأهل دارند. آنها علاوه بر شبانی کلیسای، با دلی برای دنیا، بیش از ۴۰ سفر کوتاه مدت بشارتی نیز انجام داده‌اند. تری قبل از بازگشت به منطقه‌ای که او و ربکا در آنجا بزرگ شدند، ابتدا به عنوان کمک شبان در گلاسکوی اسکاتلند خدمت کرد. او فارغ‌التحصیل دانشکده آموزش کتاب مقدس ریما و دانشگاه ریجنت است. تری معاون مدیر AIMS در کلرادو اسپرینگز، کلرادو است.

